

در برگیرنده راهکارهایی نظری و کاربردی برای اصلاح بنیادین ساختار سازمان ملل متحد است.

قرار است سران کشورهای جهان در شصتمین نشست مجمع عمومی در پاییز امسال، به بررسی مفاد این گزارش و تصمیم گیری درباره راهکارهای پیشنهادی دبیر کل بپردازند. البته این گزارش در تابستان جاری در کمیته‌هایی تخصصی، مورد بررسی و نقد کارشناسان کشورهای عضو سازمان قرار می‌گیرد.

از آنجا که با پیدایش بازیگران تازه در صحنه بین‌المللی، دگرگون شدن بن‌مایه‌های فکری درباره سازمان ملل متحد و پیش آمدن مسائل و گرفتاریهای تازه در جامعه جهانی، بهسازی بنیادین سازمان ملل متحد به روندی برگشت‌ناپذیر تبدیل شده است و از سویی، ایجاد هر گونه تغییر و تحوّل اساسی در این سازمان با منافع مستقیم یا غیرمستقیم کشورهای عضو است، کشورهای عضو برای سالها درگیر مقولات نظری و سیاسی مربوط به دگرگونیهای سازمان ملل خواهند بود. در این زمینه، گزارش دبیر کل اهمیت بسیار دارد زیرا ای گمان بستر ساز گفتمان‌هایی است پیچیده و آینده‌ساز. این نوشته نیز تلاشی است هرچند ناچیز برای نشان دادن اهمیت و حساسیت موضوع و همواره کردن راه برای دانش پژوهانی که دل در گرو منافع ملّی دارند و به فراسوی گردبادهایی می‌اندیشند که چندی است دستگاه سیاسی کشور را در خود پیچیده است.

در نخستین بخش این نوشتار، ترجمه مهم‌ترین نکات مندرج در گزارش دبیر کل آمده و بخش پایانی نیز به نقد و برداشت نگارنده از گزارش دبیر کل و برخی پیشنهادها کاربردی اختصاص یافته است، با این هدف که زمینه‌ای فراهم شود تا موضوع بهسازی ساختار سازمان ملل متحد بیش از پیش مورد بررسی و نقد علمی و کاربردی محافل علمی و سیاسی کشور قرار گیرد.

بخش نخست: گزارش دبیر کل

گزارش دبیر کل يك ديپاچه و پنج فصل با این عنوانها دارد:

۱. رهایی از فقر؛ ۲. رهایی از بیم؛ ۳. حقّ

تب اصلاح‌گرایی در سازمان ملل متحد، بویژه از جهت شمار اعضای دائم شورای امنیت و حقّ و تو...، از همان نخستین سال‌های برپایی این سازمان همواره وجود داشته است ولی در دوران جنگ سرد و نظام دو قطبی، از آن رو که قدرت‌های برتر نقش برجسته‌ای برای این سازمان قائل نبودند و به حفظ وضع موجود و بهره‌گیری ایزاری و مقطعی از آن بسنده می‌کردند، ضرورتی هم به دگرگون‌سازی و اصلاح آن نمی‌دیدند.

با پایان گرفتن جنگ سرد و بروز آشفتگی‌های دامنه‌دار در سطح جهان، بویژه در پی رویدادهای تروریستی یازدهم سپتامبر و لشکرکشی آمریکا به عراق که هر دو نقطه عطفی در صحنه روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید، بار دیگر لزوم بهسازی ساختار سازمان ملل متحد به گفتمانی همگانی تبدیل شد. البته این بار، این ضرورت از سوی همه قدرتهای بزرگ و کوچک مطرح شده است، چه کشورهایی که سازمان ملل را در تحقق بخشیدن به اهدافش ابرتر می‌بینند و چه آنها که به سازمان دل بسته‌اند ولی از سلطه شماری از قدرت‌ها بر آن ناخرسندند. در چنین فضایی، دبیر کل در پاسخ به این نیاز و برای پیگیری تلاش‌های ناپیوسته‌ای که در سال‌های پس از جنگ سرد با هدف دگرگون‌سازی ساختار سازمان ملل صورت پذیرفته بود، به گونه جدی موضوع بهسازی سازمان را در دستور کار خود قرار داد و با توجه به مسئولیتی که سران کشورهای عضو در نشست هزاره به او داده بودند، در سال ۲۰۰۳ به کمیسیونی دربرگیرنده ۱۶ کارشناس بلندپایه مأموریت داد که تهدیدها، چالش‌ها و راهکارهای اصلاح بنیادین ساختار این سازمان جهانی را بررسی کنند. این کمیسیون در دسامبر ۲۰۰۴ پیشنهادهای خود را با عنوان «تهدیدها، چالش‌ها و دگرگونیهای سازمان ملل متحد» منتشر کرد که در واقع مایه اصلی گزارش و پیشنهادهاى دبیر کل شد.

کوفی امان گزارش خود را در نخستین روز بهار امسال با عنوان «به سوی آزادی بیشتر: توسعه، امنیت و حقوق بشر برای همه» منتشر کرد که

سازمان ملل

متحد در سده

بیست و یکم

نگاهی به اصلاحات

محتواي ساختاری

سازمان ملل متحد

ژنرال دکتر مختین امیری وحید

بر خورداری از زندگی شرافتمندانه؛ ۴. تقویت سازمان ملل متحد؛ ۵. فرصت‌ها و چالش‌ها در جهان امروز.

دبیر کل در دیباچه گزارش خود با عنوان «فرصت تاریخی سال ۲۰۰۵» تأکید می‌کند که پس از گذشت پنج سال از آغاز هزاره تازه، در وضعی هستیم که می‌توانیم میراث گرانبهایی برای فرزندانمان بگذاریم. می‌توانیم فقر جهانی را به نصف کاهش دهیم؛ گسترش بیماری‌های بزرگ و شناخته شده را در ده سال آینده مهار کنیم؛ میزان احترام به کرامت انسانی را در سراسر جهان افزایش دهیم و سطح کارایی نهادهای بین‌المللی کنونی را در یاری رساندن به انسانها برای دستیابی به هدفهای ناب یاد شده بالا ببریم. البته اگر دست در دست هم و شجاعانه عمل کنیم، خواهیم توانست امنیت مردمان در سراسر جهان را افزایش دهیم، زندگی همگان را شکوفاتر کنیم و آنان را در بهره‌مندی از حقوق اساسی‌شان توانمند سازیم.

دبیر کل می‌افزاید: امسال فرصتی پیش آمده است تا در راه تحقق هدفهای یادشده با استواری گام برداریم. در سپتامبر آینده، نشست ویژه‌ای با حضور سران کشورهای جهان برای بررسی پیشرفت‌های سازمان ملل متحد در زمینه دستیابی به هدفهای مندرج در اعلامیه نشست هزاره، برگزار خواهد شد. به درخواست اعضا، گزارش جامعی درباره چگونگی عملی شدن مفاد اعلامیه هزاره به شرح زیر تهیه کرده‌ام تا در نشست ویژه در سپتامبر آینده مطرح شود:

در تهیه این گزارش از هشت سال تجربه مبتنی بر وجدان و تعهد خود بعنوان دبیر کل و همچنین درک خود از منشور سازمان ملل متحد که وظیفه متحقق ساختن اصول و هدفهای مندرج در آن را دارم، بهره گرفته‌ام. گذشته از آن، دو گزارشی که به تازگی درباره چالش‌های جهانی و نیاز به ایجاد دگرگونی ساختاری در سازمان ملل متحد منتشر شده، بسیار الهام‌بخش بوده است.

آقای آنان خاطر نشان می‌سازد که سازمان ملل متحد نیازمند اصلاحات ژرفی است که جزئیات آنها در این گزارش نمی‌گنجد و تنها به آن دسته از مواردی بسنده می‌شود که تحقق آنها در ماههای

آینده، هم حیاتی است و هم دست یافتنی. مواردی وجود دارد که اصلاح آنها امکان‌پذیر است، مشروط به اینکه بتوانیم اراده سیاسی لازم را پدید آوریم. البته مسائل مهم دیگری نیز در میان است که در نشستهای آینده باید به آنها پرداخت.

چالش‌ها در جهان دستخوش دگرگونی

سران کشورها در اعلامیه هزاره ایران از اطمینان کردند که بشر در سال‌های آینده می‌تواند به صلح، امنیت، خلع سلاح، حقوق بشر، دموکراسی و حکومت مطلوب دست یابد. آنان همچنین خواهان مشارکت جهانی برای تحقق بخشیدن به اهداف مورد توافق تا سال ۲۰۱۵ شدند و آشکارا اعلام کردند که برای مصون داشتن آفریقا از آسیبها و نیز تأمین نیازهای ویژه مردمان این قاره تلاش خواهند کرد و درباره ضرورت مشارکت بیشتر سازمان ملل متحد در شکل‌دهی به آینده مشترک‌مان موافقت کردند.

پس از گذشت پنج سال از صدور اعلامیه هزاره، احساس می‌کنم که ارائه گزارش تفصیلی درباره چگونگی اجرای مفاد آن اعلامیه بسنده نخواهد بود اگر این نکته مهم یادآوری نشود که شرایط تازه ایجاب می‌کند برای بازنگری در چالش‌ها و اولویتهای سازمان به اجماعی جدید دست یابیم و این اجماع را به اقدام جمعی تبدیل کنیم.

پس از تصویب اعلامیه هزاره، بسیار بوده است رویدادهایی که اتخاذ چنین رویکردی را ضرور می‌سازد. شبکه‌هایی از بازیگران غیردولتی- تروریستها- پس از رویدادهای هراس‌انگیز یازدهم سپتامبر سبب شده‌اند که حتی نیرومندترین دولت‌ها خود را آسیب‌پذیر ببینند و در همان حال بسیاری از دولت‌ها احساس کنند که صرف نبود توازن قدرت در جهان، منبع بی‌ثباتی است. وجود شکاف میان قدرت‌های بزرگ بر سر مسائل کلیدی، گویای نبود اجماع درباره هدفها و روش‌ها است؛ حال آنکه بیش از ۴۰ کشور در معرض درگیریهای خشونت‌آمیز هستند. امروز شمار کسانی که در درون جوامع خود آواره‌اند نزدیک به ۲۵ میلیون تن است که کمابیش يك سوم آنان به کمک‌های سازمان ملل دسترسی ندارند. گذشته از آن، شمار آوارگان بیرون از مرزهای ملی از یازده تا

○ شبکه‌هایی از بازیگران غیردولتی - تروریستها - پس از رویدادهای هراس‌انگیز یازدهم سپتامبر سبب شده‌اند که حتی نیرومندترین دولت‌ها خود را آسیب‌پذیر ببینند و در همان حال بسیاری از دولت‌ها احساس کنند که صرف نبود توازن قدرت در جهان، منبع بی‌ثباتی است. وجود شکاف میان قدرت‌های بزرگ بر سر مسائل کلیدی، گویای نبود اجماع درباره هدفها و روش‌ها است؛ حال آنکه بیش از ۴۰ کشور در معرض درگیریهای خشونت‌آمیز هستند.

دوازده میلیون تن تخمین زده می شود که پاره ای از آنان را قربانیان جنایات جنگی و جنایت نسبت به بشریت تشکیل می دهند.

کشورهای بسیاری نیز به علل دیگری چون ایدز از درون پاشیده شده اند. این بیماری جان بیش از بیست میلیون تن را در سطح جهان گرفته و شمار آلوده شدگان به آن نیز از ۴۰ میلیون فراتر رفته است. بیش از یک میلیارد نفر هنوز زیر خط فقر مطلق (با یک دلار در روز) زندگی می کنند و هر روز ۲۰ هزار تن بر اثر فقر می میرند. روی هم رفته ثروت جهانی افزایش یافته ولی توزیع آن در میان کشورها، در میان مناطق گوناگون و بر سرهم در سطح جهان ناعادلانه تر شده است. گرچه در زمینه اهداف مربوط به توسعه در برخی کشورها پیشرفت هایی حاصل شده است، ولی هنوز برای رسیدن به هدفهایی که تحقق آنها تا سال ۲۰۱۵ پیش بینی شده اقدامات کافی صورت نگرفته است؛ و هر چند کارهای مهمی در زمینه مسائل گوناگون مربوط به مهاجرت و تغییرات جوی انجام گرفته، ولی سطح چالش هایی که در درازمدت پیش رو داریم بسی بالاتر از اقدامات جمعی ما در رویارویی با آنها است.

رویدادهای سال های اخیر سبب کاهش اعتماد عمومی به سازمان ملل شده است. برای نمونه، مخالفان و موافقان جنگ عراق هر دو ناراضی اند زیرا احساس می کنند سازمان ملل متحد نتوانسته است نظرشسان را تأمین کند؛ یکی به اجرای نادرست قطعنامه های سازمان ملل متحد معترض است و دیگری از ناتوانایی این سازمان در جلوگیری از جنگی زودهنگام یا غیر ضرور. اعتراض بیشتر کسان به عملکرد سازمان ملل دقیقاً به این دلیل است که سازمان را برای جهان امروز بسیار مهم می دانند. کاهش اعتماد به این نهاد با افزایش باور عمومی به اهمیت چندجانبه گرایی مؤثر همراه است.

نظر من بر این نیست که پنج سال نخست هزاره جدید عاری از اخبار خوشایند بوده است؛ برعکس، بسیاری شواهد دلالت بر این دارد که اقدامات جمعی می تواند به دستاوردهای واقعی بینجامد. در این میان می توان به همبستگی

چشمگیر پس از یازدهم سپتامبر در مورد شماری از قطعنامه های مربوط به درگیری های داخلی، افزایش ستودنی تخصیص منابع برای توسعه و گسترش صلح و دموکراسی در جهان اشاره کرد. هرگز نباید ناامید شویم. مشکلات ما فراتر از توانمان برای حل آنها نیست. باید دست به دست هم دهیم تا عامل اصلاحات درازمدت شویم.

آزادی بیشتر: توسعه، امنیت و حقوق بشر

آقای انان با تأکید بر پیوندهای متقابل توسعه، امنیت و حقوق بشر با یکدیگر تصریح می کند که بی امنیت، توسعه نخواهیم داشت و بی توسعه هم امنیت در کار نخواهد بود و بی رعایت حقوق بشر نیز از هر دو بی نصیب خواهیم بود. وی همچنین می گوید که فانوس راهنمای ما باید نیازها و امیدهای مردمان در گوشه و کنار جهان باشد؛ گزارشی که با عنوان: «ما مردمان» برای هزاره جدید ارائه کردم چنین آغاز می شد: گرچه سازمان ملل متحد از کشورهای مستقل تشکیل شده است اما فلسفه وجودی آن در نهایت خدمتگزاری به مردمان و بر آوردن نیازهای آنها است. از این رو باید از سه مقوله به هم مرتبط توسعه، آزادی و صلح پاسداری کنیم.

عنوان گزارش حاضر را «به سوی آزادی بیشتر انتخاب کردم تا بر تداوم کارایی منشور سازمان ملل متحد تأکید کنم و اینکه هدفهای مندرج در آن باید با زندگی زنان و مردان جهان همخوانی یابد. در مفهوم «آزادی بیشتر» همچنین این نکته نهفته است که توسعه، امنیت و حقوق بشر در پیوند با یکدیگرند.

کسی که گرفتار بیماری ایدز است و نمی تواند بخواند و بنویسد و از گرسنگی در آستانه مرگ قرار دارد، حتی اگر بتواند برای گزینش رهبران رأی بدهد، از آزادی واقعی بی بهره است. به همین سان زنی که در سیاهی خشونت همیشگی گرفتار است و نمی تواند در مورد چگونگی اداره کشورش اظهار نظر کند، حتی اگر از ثروت کافی برای زندگی برخوردار باشد، به راستی انسانی آزاد نیست. آزادی بیشتر، به این معنا است که زنان و مردان در سراسر کره خاکی حق داشته باشند زیر سایه حکومت مورد علاقه خود، بر پایه قانون، در

○ امروز شمار کسانی که در درون جوامع خود آواره اند نزدیک به ۲۵ میلیون تن است که کمابیش یک سوم آنان به کمک های سازمان ملل دسترسی ندارند. گذشته از آن، شمار آوارگان بیرون از مرزهای ملی از یازده تا دوازده میلیون تن تخمین زده می شود که پاره ای از آنان را قربانیان جنایات جنگی و جنایت نسبت به بشریت تشکیل می دهند.

ضرورت اقدام جمعی

در جهانی که با تهدیدها و چالش‌های به هم پیوسته روبه‌رو است، منافع همه کشورهای ایجاب می‌کند که به گونه جمعی با این تهدیدها و چالشها برخورد کنند. بنابراین، آرمان «آزادی بیشتر» تنها در پرتو همکاری گسترده، عمیق و جامع کشورهای جهان دست یافتنی خواهد بود. این گونه همکاری هنگامی میسر می‌شود که هر کشور در سیاستهای خود نه تنها نیازهای شهروندان بلکه نیازهای دیگران را در نظر گیرد. چنین همکاری، نه تنها در راستای منافع هر کشور بلکه منافع مشترک بشریت است.

پیشنهاد‌های مندرج در این گزارش به گونه‌ای است که جایگاه دولت‌ها را تقویت می‌کند و آنها را قادر می‌سازد از راه همکاری برای اصول و اولویت‌های مشترک، به مردمانشان بهتر خدمت کنند. در واقع، تحقق این اصول، هدف غایی از برپایی سازمان ملل متحد است. دولت‌ها عناصر اساسی و بی‌چون و چرای نظام بین‌المللی هستند، و این وظیفه آنهاست که حقوق شهروندانشان را رعایت کنند و آنها را از جنایت، خشونت و تجاوز مصون دارند و چارچوبی از آزادی مبتنی بر قانون فراهم سازند تا شهروندانشان بتوانند از جامعه‌ای شکوفا و توسعه یافته برخوردار شوند. اگر دولت‌ها آسیب‌پذیر باشند، مردمان در جهان امنیت، توسعه و عدالت نخواهند داشت. بنابراین، یکی از بزرگترین چالش‌ها در هزاره جدید این است که مطمئن شویم همه دولت‌ها به اندازه‌ای نیرومند هستند که بتوانند با بسیاری از چالش‌های فرارو مقابله کنند.

دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند این کار را به انجام رسانند و به جوامع مدنی فعال و بخش خصوصی پویا نیاز دارند. جامعه مدنی و بخش خصوصی در سال‌های اخیر به گونه روزافزون توانسته‌اند بخشی از فضایی را که در گذشته تنها به دولت‌ها اختصاص داشت پر کنند؛ و روشن است تحقق هدفهای مذکور بی‌مشارکت کامل آنها ممکن نیست.

گذشته از آن، برای بسیج و هماهنگی اقدامات جمعی به نهادهای منطقه‌ای و بین‌دولتی جهانی نیاز مندیم. در این میان سازمان ملل متحد بعنوان یگانه نهاد جهانشمولی که مسئول حفظ امنیت و

جامعه‌ای زندگی کنند که در آن همگان بتوانند بی‌تبعیض و بیم از کیفر سخن بگویند، به عبادت پیردازند و در جوامع مدنی شرکت کنند. آنان همچنین باید از فقر‌هایی بایند و مرگ ناشی از فقر مطلق و بیماریهای واگیر از زندگیشان رخت بریندد. آنان باید از ترس‌ها شوند تا زندگی‌شان از بیم بروز خشونت و جنگ از هم نپاشد. به راستی همه مردمان حق دارند از امنیت و توسعه برخوردار باشند.

توسعه، امنیت و حقوق بشر نه تنها برای همه ضرور است، بلکه هر يك تقویت‌کننده دیگری است و این پیوند در روزگار ما، در پرتو پیشرفت سریع تکنولوژی، وابستگی اقتصادی، جهانی شدن و تحولات ژرف ژئوپلیتیکی استوارتر شده است. فقر و محرومیت از حقوق بشر را شاید نتوان سرچشمه جنگ داخلی، تروریسم یا جنایات سازمان یافته خواند، ولی اینها خطر بی‌ثباتی و خشونت را سخت افزایش می‌دهد. به همین سان، جنگ و بی‌رحمی‌ها را نمی‌توان یگانه عامل افتادن کشورها به گرداب فقر دانست، ولی این پدیده‌ها بی‌گمان مانعی بر سر راه توسعه است. به هر رو، يك اقدام دهشتناک تروریستی در گوشه‌ای از جهان، برای مثال حمله به يك مرکز اقتصادی در کشوری ثروتمند، می‌تواند با ایجاد شوک اقتصادی بر فرایند توسعه میلیون‌ها انسان در دیگر نقاط جهان اثر گذارد و میلیون‌ها نفر را به فقر بکشانند. گذشته از آن، کشورهایی که خوب اداره می‌شوند، و حقوق شهروندان خود را محترم می‌شمارند، بهتر می‌توانند از درگیری‌ها جلوگیری کنند و موانع توسعه را از میان بردارند.

بنابراین، نمی‌توانیم در نبود امنیت از توسعه برخوردار شویم یا بی‌امنیت، توسعه داشته باشیم؛ بی‌رعایت شدن حقوق بشر نیز نه امنیت خواهیم داشت نه توسعه. سرنوشت هر سه به هم وابسته است و تحقق هیچ يك بی دیگری میسر نیست. در هزاره جدید سازمان ملل باید بکوشد جهان ما را به روزی نزدیک کند که در آن همه انسانها از حق انتخاب نوع زندگی دلخواه و دسترسی به منابعی که به انتخاب آنها مفهوم می‌بخشد برخوردار باشند و زندگی در صلح نیز برای آنها تضمین شده باشد.

○ رویدادهای سال‌های اخیر سبب کاهش اعتماد عمومی به سازمان ملل شده است. برای نمونه، مخالفان و موافقان جنگ عراق هر دو ناراضی‌اند زیرا احساس می‌کنند سازمان ملل متحد نتوانسته است نظرشان را تأمین کند؛ یکی به اجرای نادرست قطعنامه‌های سازمان ملل متحد معترض است و دیگری از ناتوانایی این سازمان در جلوگیری از جنگی زودهنگام یا غیر ضرور.

در جهان امروز، هیچ دولتی هر اندازه هم نیرومند باشد به تنهایی نمی تواند از خود حفاظت کند. به همین سان، هیچ کشوری چه ضعیف و چه نیرومند نمی تواند در خلأ به شکوفایی برسد. می توانیم و باید یکدست و یکپارچه عمل کنیم. ما و مدار یکدیگر و همه در برابر هم مسئولیم. اگر به تعهدات متقابل جامعه عمل بیوشانیم آنگاه خواهیم توانست نامی بر ازنده بر هزاره جدید بگذاریم.

۱. رهایی از فقر (مسائل توسعه)

دبیر کل در این بخش از گزارش خود تصریح می کند که در ۲۵ سال گذشته پیشرفت‌های چشمگیری در زمینه کاهش فقر مطلق صورت گرفته که بی سابقه بوده است. برای نمونه، در پرتو پیشرفت‌های چین و هند، صدها میلیون زن و مرد، بزرگ و کودک، توانسته‌اند از آثار فقر رهایی یابند و از خوراک سالم، بهداشت، آموزش و پرورش و سرپناه بهره‌مند شوند.

در همان حال، پاره‌ای از کشورهای فقیرتر شده‌اند؛ بحران‌های خانمانسوز اقتصادی میلیون‌ها خانوار را گرفتار فقر کرده است؛ و وجود نابرابری فزاینده در بخش‌هایی از جهان بدین معناست که منافع ناشی از رشد اقتصادی به گونه‌ای توزیع نشده است. امروز بیش از یک میلیارد انسان یعنی یک نفر از هر ۶ نفر در جهان هنوز با درآمدی کمتر از یک دلار در روز زندگی می‌کنند و امکانات لازم برای حفظ زندگی خود در برابر گرسنگی و بیماری‌های مزمن و رویدادهای طبیعی بی‌بهره‌اند.

به سخن دیگر، فقر عامل مرگ است. نیش یک پشه آلوده به بیماری مالاریا می‌تواند به زندگی کودکی پایان دهد و تنها یک دلار برای نجات این کودک کافی است. جهانی که در آن هر سال یازده میلیون کودک پیش از جشن تولد پنج سالگی خود می‌میرند و سه میلیون تن بر اثر بیماری ایدز جان می‌بازند، از «آزادی بیشتر» برخوردار نمی‌شود.

برای سده‌ها، این گونه فقر، ویژگی اسف‌انگیز ولی گریزناپذیر زندگی بشر شناخته می‌شده است. امروز چنین دیدگاهی به بعد نظری و اخلاقی قابل دفاع نیست. شتاب و دامنه پیشرفت کشورها در مناطق گوناگون نشان می‌دهد که در کوتاه مدت

پرداختن به مسائل توسعه و حقوق بشر است، و وظیفه خطیری بر عهده دارد. جهانی شدن فاصله‌ها را در جهان کاهش داده و مسائل یادشده هر چه بیشتر به هم مرتبط می‌شود؛ و در این شرایط، مزایا و محاسن و همچنین برخی از ضعف‌های واقعی سازمان ملل بیش از هر زمان دیگر نمود می‌یابد. از بازاندیشی در بافت عملکرد اداری سازمان ملل متحد و ایجاد نظامی شفاف، مؤثر و کارا برای آن گرفته تا ترمیم نهادهای بزرگ بین‌الدولی، همه نمایانگر اهمیت اولویت‌های مندرج در این گزارش است. باید ساختار سازمان ملل متحد را با سرعت و شجاعتی بی‌سابقه دگرگون سازیم.

در تلاشمان برای گسترش دادن مشارکت دولت‌ها، نهادهای مدنی، بخش خصوصی و نهادهای بین‌المللی به منظور دستیابی به «آزادی بیشتر»، باید مطمئن شویم که همه دست‌اندرکاران در تبدیل گفته‌های زیبا به اقدامات سودمند، مسئولیت می‌پذیرند. از این رو به مکانیسم تازه‌ای نیاز داریم که پاسخگویی را تضمین کند: پاسخگویی دولت‌ها در برابر شهروندانشان، دولت‌ها در برابر یکدیگر، نهادهای بین‌المللی در برابر اعضای خود و نسل کنونی در برابر نسل آینده. در جایی که پاسخگویی در کار است پیشرفت وجود دارد و در مواردی که پاسخگویی نیست پیشرفت هم نیست. از وظایف نشست آینده در پاییز ۲۰۰۵ در نیویورک این است که سران کشورها تضمین کنند از این پس اگر وعده‌ای داده می‌شود عملی گردد.

زمان تصمیم فرار سیده است. در لحظات سرنوشت‌ساز تاریخ باید بلندپرواز باشیم. اقداماتمان باید متناسب با آرمانهایمان باشد و به اندازه کافی سرعت به خرج دهیم. باید با تهدیدهای فوری، هر چه زودتر برخورد کنیم. باید از اجماع بیسابقه‌ای که در مورد چگونگی توسعه اقتصاد جهانی و توسعه اجتماعی پدید آمده است بهره‌گیریم. باید به اجماع تازه‌ای درباره چگونگی رویارویی با تهدیدهای تازه دست یابیم. امروز تنها با اقدام قاطع می‌توانیم هم با چالش‌های فوری امنیتی برخورد کنیم و هم در مبارزه جهانی با فقر تا سال ۲۰۱۵ قاطعانه پیروز شویم.

○ آقای آنان با تأکید بر پیوندهای متقابل توسعه، امنیت و حقوق بشر با یکدیگر تصریح می‌کند که بی‌امنیت، توسعه نخواهیم داشت و بی‌توسعه امنیتی در کار نخواهد بود و بی‌رعایت حقوق بشر نیز از هر دو بی‌نصیب خواهیم بود.

یافتن توسعه تلاش کنند.

دیبرکل یادآور می‌شود که چنانچه کشورهای در حال توسعه استراتژی و برنامه‌ای شفاف، دقیق و قابل اعتماد ارائه کنند، کشورهای توسعه یافته باید برای اجرای این برنامه‌ها به آنها یاری رسانند.

در زمینه توسعه، دیبرکل بیشتر بر اجرای تعهدات و برنامه‌های قبلی و روی هم رفته بر عوامل داخلی مانند مبارزه با فساد، کشورداری مطلوب، مشارکت بخش خصوصی و... انگشت می‌گذارد و طرحی تازه ارائه نمی‌کند. البته ضرورت دسترسی کشورهای در حال توسعه به مکانیسم‌های مالی و تجاری بین‌المللی و همچنین آثار منفی اقدامات سیاسی-اقتصادی یک‌جانبه دیگران بر توسعه آنها، از جمله نکاتی است که از دید دیبرکل دور مانده است. به هر رو، در این گزارش مسائل قاره آفریقا و نیاز این منطقه به دریافت کمک‌های خارجی (شاید برای جلب نظر مساعد کشورهای آفریقایی نسبت به فرایند کلی اصلاحات در سازمان ملل متحد) برجسته شده است.

دیبرکل در بخش دیگری از گزارش خود درباره مسائل مربوط به توسعه، بر اهمیت بیابان‌زدایی، تنوع‌زیستی و تغییرات جوی اشاره می‌کند و نیز تشکیل صندوق ویژه‌ای بایک میلیارد بودجه اولیه را برای کمک به قربانیان رویدادهای طبیعی پیشنهاد می‌کند.

۲. رهایی از بیم

مهمترین بخش گزارش دیبرکل ناظر به مسائل امنیتی است که عنوان «رهایی از بیم» دارد. آقای آنان در آغاز این بخش می‌گوید در حالی که در حوزه مسائل مربوط به توسعه گرفتار ضعف اجرایی هستیم، در زمینه امنیتی با وجود احساس شدید ناامنی در میان بسیاری از اعضای سازمان، حتی به اجماعی مقدماتی و برنامه‌های اجرایی دست نیافته‌ایم.

سازمان ملل متحد هنگامی می‌تواند امنیت اعضای خود و مردمان در جهان را تأمین کند که بتوانیم به ارزیابی مشترکی از این تهدیدها و درکی مشترک از تهدداتمان برای رویارویی با آنها برسیم.

می‌توان نرخ فقر و مرگ‌ومیر کودکان و بزرگسالان را به گونه چشمگیر کاهش داد و در همان حال سطح آموزش، برابری زن و مرد و دیگر ابعاد توسعه می‌تواند به گونه‌ای شگفت‌انگیز افزایش یابد. امروز مجموعه بی‌سابقه‌ای از منابع و تکنولوژی در اختیار بشر است و این بدان معناست که در واقع ما نخستین نسلی هستیم که ابزارها، دانش، و منابع لازم را برای اجرای تعهدات و مسئولیت‌هایی که دولت‌ها در اعلامیه هزاره پذیرفته‌اند در اختیار داریم؛ یعنی امکان واقعیت بخشیدن به حق توسعه برای همگان و رها ساختن همه انسانها از فقر.

دیدگاهی مشترک درباره توسعه

چند وجهی بودن چالش‌های توسعه به معنای وجود شماری مسائل به هم مرتبط است، از برابری زن و مرد گرفته تا مسائل مربوط به بهداشت، آموزش و محیط زیست. کنفرانس‌های تاریخی گوناگونی که سازمان ملل متحد در دهه ۹۰ برگزار کرد، زمینه‌ساز نشست سران برای تبیین هدفهای زمانبندی شده در حوزه‌های گوناگون توسعه شد. از جمله این هدفها، ریشه کن شدن فقر مطلق، و فرستاده شدن همه کودکان به مدرسه ابتدایی تا سال ۲۰۱۵ بود که بعنوان اهداف مربوط به توسعه در اعلامیه هزاره سران گنجانده شد.

هدفهایی که در زمینه توسعه در اعلامیه هزاره گنجانده شده بود محرک تلاشهایی بیسابقه در جهت تأمین نیازهای فقیرترین انسانهای جهان گردید و کشورهای کمک‌کننده، جوامع مدنی و نهادهای اصلی دست‌اندر کار توسعه، آنها را معیار پیشرفت جهانی قرار دادند. این هدفها در واقع نشان دهنده همه اولویتهای مشترکی است که در سطح جهان پذیرفته شده و تحقق بخشیدن به آنها کاری فوری تلقی می‌شود و باید تا سپتامبر ۲۰۰۵ انجام گیرد.

دیبرکل همچنین تأکید می‌کند که در کشورهای در حال توسعه، خود دولتها مسئول توسعه هستند و باید از راه بهسازی حکومت، مبارزه با فساد، اجرای سیاستهای مناسب و تشویق مشارکت و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، در جهت افزایش منابع داخلی لازم برای تحقق

○ فقر و محرومیت از حقوق بشر را شاید نتوان سرچشمه جنگ داخلی، تروریسم یا جنایات سازمان یافته خواند، ولی اینها خطر بی‌ثباتی و خشونت را سخت افزایش می‌دهد. به همین سان، جنگ و بی‌رحمی‌ها را نمی‌توان یگانه عامل افتادن کشورها به گرداب فقر دانست، ولی این پدیده‌ها بی‌گمان مانعی بر سر راه توسعه است.

از اینرو، توانایی ما برای کمک به آنهایی که برای رها کردن خود از بیم تلاش می کنند، در بهترین وجه، محدود خواهد بود.

دیدگاهی برای امنیت جمعی

در نوامبر ۲۰۰۳ دربارهٔ نبود اجماع میان کشورهای عضو در مورد نقش مناسب سازمان ملل متحد در تأمین امنیت یا حتی در مورد ماهیت جدی ترین تهدیدهایی که با آن روبه‌رو هستیم، هشدار دادم. گروه بلندپایه‌ای را مأمور بررسی تهدیدها، چالش‌ها و دگرگونی‌ها کردم و این گروه گزارش خود را با عنوان «جهانی امن تر: مسئولیت‌های مشترک ما»، در دسامبر ۲۰۰۴ ارائه کرد. با دید جامعی که در این گزارش نهفته است موافقم بویژه مفهوم گسترده تری که از امنیت جمعی ارائه می کند و ناظر به تهدیدهای جدید و قدیم و نگرانی‌های امنیتی همهٔ کشورها است. معتقدم که این مفهوم می تواند شکاف میان دیدگاه‌های گوناگون موجود دربارهٔ امنیت را پر کند و راهنمای مادر رویارویی با معضلات جهان امروز باشد.

امنیت و صلح در سدهٔ بیست و یکم از سوی پدیده‌ها و عواملی چون جنگ و درگیری‌های بین‌المللی و همچنین خشونت‌های داخلی، جنایات سازمان یافته و جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی تهدید می شود. گذشته از آن فقر، بیماری‌های کشنده و تخریب محیط زیست نیز با پیامدهای بسیار ویرانگرش امنیت و صلح بین‌المللی را تهدید می کند. همهٔ عوامل یادشده موقعیت دولت را بعنوان تنها واحد اصلی در نظام بین‌الملل تضعیف می کند.

ما فوریت تهدیدهای گوناگون را با توجه به ثروت، جغرافیا و قدرت تعیین می کنیم، هر چند به‌واقع حق انتخاب نداریم. امروز امنیت جمعی به پذیرش این نکته متکی است که آن دسته از تهدیدها که برای منطقه‌ای از جهان عاجل انگاشته می شود، برای همهٔ مناطق تهدید به‌شمار می آید.

تهدیدهایی که در جهان امروز با آنها روبه‌رو هستیم، در پیوند با یکدیگرند. کشورهای ثروتمند نیز در برابر تهدید که متوجه کشورهای فقیر است آسیب‌پذیرند و به همین سان عوامل تهدیدکننده

کشورهای فقیر در واقع کشورهای ثروتمند را نیز تهدید می کنند. يك حملهٔ تروریستی با جنگ‌افزارهای هسته‌ای به ایالات متحده یا اروپا، پیامدهای بسیار فاجعه‌آمیزی در سراسر جهان خواهد داشت؛ به همین گونه پیدایش گونه‌ای ویروس واگیر در کشوری فقیر که از نظام کارای بهداشتی بی بهره است، همهٔ کشورهای جهان را تهدید خواهد کرد.

بنابر این در حالی که تهدیدها به هم پیوسته‌اند، باید به اجماع نظر تازه‌ای دربارهٔ مسائل امنیتی دست یابیم. عنوان نخستین بند از چنین اجماع نظری باید «رهایی از بیم» باشد و اینکه هر آنچه یکی را تهدید می کند برای همگان تهدید است. هر گاه به چنین شناختی برسیم، چاره‌ای نداریم جز برخورد با همهٔ گونه‌های تهدید. به همان شدت و حدتی که با تروریسم می ستیزیم، باید با بیماری‌های ایدز مقابله کنیم؛ باید با فقر به همان سان که با گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی می ستیزیم، مبارزه کنیم؛ باید به همان گونه در برابر گسترش جنگ‌افزارهای سبک و کوچک بایستیم که در برابر گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی. افزون بر آن، با همهٔ این تهدیدها باید به گونهٔ پیشگیرانه، از همان آغاز و با همهٔ ابزارهایی که داریم، برخورد کنیم.

لازم است مطمئن شویم که کشورها پیمانهای را که زمینه‌های امنیتی را پذیرفته‌اند رعایت می کنند به گونه‌ای که همه بتوانند از منافع این پیمانها بهره‌مند شوند. برای اینکه کشورها به مکانیسم‌های چندجانبه اعتماد کنند و آنها را برای جلوگیری از درگیری به کار گیرند، نظارت پیگیرانه‌تر، اجرای مؤثرتر، و همچنین در صورت لزوم قاطعیت بیشتر لازم است. این مسائل نظری فوریت بسیار دارد و چنانچه امسال در مورد آنها به اجماع ترسیم و با شتاب اقدام نکنیم ممکن است مجال دیگری پیش نیاید. اگر قرار است امسال در مورد تبدیل کردن سازمان ملل متحد به نهادی کارا برای رویارویی با تهدیدهایی که همواره با آنها روبه‌رو هستیم تصمیم بگیریم، باید به چند برنامهٔ کلیدی و اولویت‌سازمانی بپردازیم.

باید به گونه‌ای عمل کنیم که فجایع تروریستی هرگز روی ندهد. این، در گرو تلویین يك

○ برای دستیابی به

«آزادی بیشتر»، باید مطمئن شویم که همهٔ دست‌اندرکاران در تبدیل گفته‌های زیبا به اقدامات سودمند، مسئولیت می‌پذیرند. از این‌رو به مکانیسم تازه‌ای نیاز داریم که پاسخگویی را تضمین کند: پاسخگویی دولت‌ها در برابر شهروندانشان، دولت‌ها در برابر یکدیگر، نهادهای بین‌المللی در برابر اعضای خود و نسل کنونی در برابر نسل آینده. در جایی که پاسخگویی در کار است پیشرفت وجود دارد و در مواردی که پاسخگویی نیست پیشرفت هم نیست.

○ باید به گونه‌ای عمل

کنیم که فجایع تروریستی هرگز روی ندهد. این، در گرو تدوین یک استراتژی جدید جهانی است که با توافق کشورهای عضو سازمان بر سر تعریف تروریسم و نیز یک کنوانسیون جامع آغاز می‌شود. همچنین لازم است همه دولت‌ها کنوانسیون‌های جامع مربوط به مبارزه با جنایات سازمان یافته و فساد را امضاء کنند و به جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک مصمم و پایبند باشند.

متّحد به دفاع از آنها پایبند است یعنی احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، پشتیبانی از غیر نظامیان، تسامح و تساهل میان ملت‌ها و دولت‌ها و حلّ مسالمت آمیز درگیرها را هدف گرفته است. شبکه‌های فراملی گروه‌های تروریستی در سطح جهان گسترده است و همه نقاط جهان را تهدید می‌کند. این گونه گروه‌ها تمایل خود را به دستیابی به جنگ‌افزارهای شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک و وارد آوردن ضربه‌های بزرگ ابراز کرده‌اند. حتی یک مورد از این گونه حمله‌ها و سلسله رویدادهای پس از آن کافی است که جهان ما را برای همیشه تغییر دهد.

در مبارزه با تروریسم باید استراتژی جامعی داشته باشیم که بر ۵ اصل استوار باشد: ۱. مردمان را از توسل به کارهای تروریستی یا حمایت از آن برای دستیابی به اهدافشان منصرف کند؛ ۲. از دسترسی تروریست‌ها به امکانات و منابع مالی مورد نیاز جلوگیری کند؛ ۳. دولت‌ها را از حمایت تروریسم بازدارد؛ ۴. دولت‌ها را برای درهم شکستن تروریسم توانمندتر سازد و ۵. مدافع حقوق بشر باشد. از همه کشورهای عضو و نهادهای مدنی می‌خواهم در تحقق بخشیدن به این استراتژی به ما بپیوندند.

اقدامات زیر بسیار عاجل است و ضرورت دارد:

باید به همه کسانی که ممکن است به پشتیبانی از تروریسم و سوسه شوند بفهمانیم که این راه برای رسیدن به اهدافشان نه پذیرفتنی است، نه مؤثر. البته نیروی معنوی و توان سازمان ملل متّحد، در سایه ناتوانی اعضا در رسیدن به توافق بر سر کنوانسیون جامعی که تعریف تروریسم را نیز در بر می‌گیرد، تضعیف شده است.

زمان آن فرا رسیده است که بحث و جدل پیرامون باصطلاح تروریسم دولتی را کنار بگذاریم. کاربرد زور از سوی دولت‌ها در پرتو قوانین بین‌المللی نظام‌مند شده است؛ و حق مقابله با اشغال نیز باید به معنای واقعی آن فهمیده شود. این حق نمی‌تواند دستاویزی برای کشتار یا آسیب‌رسانی عمدی به شهروندان غیر نظامی باشد. من با تعریفی که هیأت بلندپایه از تروریسم

استراتژی جدید جهانی است که با توافق کشورهای عضو سازمان بر سر تعریف تروریسم و نیز یک کنوانسیون جامع آغاز می‌شود. همچنین لازم است همه دولت‌ها کنوانسیون‌های جامع مربوط به مبارزه با جنایات سازمان یافته و فساد را امضاء کنند و به جلوگیری از دسترسی تروریست‌ها به جنگ‌افزارهای هسته‌ای، شیمیایی و بیولوژیک مصمم و پایبند باشند.

باید چارچوب‌های چندجانبه خود را به گونه‌ای متحوّل سازیم که بتوانیم بر پایه آنها با تهدیدهای ناشی از جنگ‌افزارهای هسته‌ای، بیولوژیک و شیمیایی مقابله کنیم. تهدیدهای ناشی از این جنگ‌افزارها به استفاده تروریستی از آنها محدود نمی‌شود.

این مکانیسم‌های چندجانبه تاکنون توانسته است نقشی بنیادین در پیشبرد اهداف خلع سلاح و جلوگیری از گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی بازی کند و حافظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد. با این همه، اکنون خطر رنگ باختن آنها را تهدید می‌کند. باید آنها را بازسازی کنیم تا پیشرفت در زمینه خلع سلاح تضمین شود و اطمینان یابیم که با خطرهای فزاینده ناشی از گسترش جنگ‌افزارهای ویژه کشتار جمعی بویژه جنگ‌افزارهای هسته‌ای برخورد خواهد شد.

باید به تلاش‌های خود برای کاستن از خطر جنگ ادامه دهیم. این، هم مستلزم تأکید بر اصول توسعه (مذکور در بخش پیشین) است، هم نیازمند تقویت ابزارهای نظامی و غیر نظامی لازم برای رویارویی و پایان دادن به جنگ‌ها و نیز برپا داشتن صلح پایدار. سرمایه‌گذاری در زمینه اقدامات پیشگیرانه، برقراری صلح، حفظ صلح و برپا داشتن صلح، می‌تواند جان میلیون‌ها انسان را نجات دهد.

اگر دو پیمان صلحی را که در آنگولا و رواندا امضاء کردیم با موفقیت اجرا کرده بودیم، می‌توانستیم جلو مرگ کمابیش سه میلیون انسان را بگیریم.

جلوگیری از فجایع تروریستی

تروریسم فراملی

تروریسم همه ارزش‌هایی را که سازمان ملل

به یکدیگر در زمینه تقویت نظام قضایی و قوانین جنایی داخلی یاری رسانند. همه اعضا باید منابع کافی در اختیار دفتر ویژه سازمان ملل در زمینه مواد مخدر و جنایت قرار دهند تا بتواند نقش کلیدی خود در نظارت بر اجرای این پیمانها را همچنان بازی کند.

جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی: بیولوژیک و هسته‌ای

در این بخش از گزارش دبیر کل آمده است که تلاش‌های چندجانبه برای مهار کردن خطر تکنولوژی هسته‌ای پیشینه‌ای به درازای عمر سازمان ملل متحد دارد. پیمان منع گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای (NPT) که ۳۵ سال پیش به امضار سیده نه تنها از خطر گسترش جنگ افزارهای هسته‌ای کاسته است بلکه اهمیت موافقتنامه‌های چندجانبه در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی را نشان داده است. اما امروز این پیمان با مسائلی چون خروج یک عضو از آن و همچنین بحران‌های ناشی از اعتماد و اجرا روبه‌رو است. کنفرانس خلع سلاح نیز با مشکلات بسیار مواجه است.

از دید آقای آنان پیشرفت در هر دوزمینه یادشده حیاتی است و هیچ یک نباید در گرو دیگری باشد. اقدامات اخیر برخی دولت‌های هسته‌ای در مسیر خلع سلاح باید شناسایی شود. البته وضع ویژه دولت‌های هسته‌ای مسئولیت ویژه‌ای هم برای آنها ایجاد می‌کند. گسترش تکنولوژی هسته‌ای به افزایش تنش دیرپا بر سر اینکه تکنولوژی لازم برای تهیه سوخت هسته‌ای در فعالیتهای غیر نظامی می‌تواند در راه توسعه جنگ افزارهای هسته‌ای هم به کار رود، انجامیده است. در تلاش برای حل این مشکل، باید به خطرهای گسترش سلاح‌های هسته‌ای توجه شود اما اهمیت تکنولوژی هسته‌ای در زمینه‌های زیست محیطی، انرژی، اقتصادی و پژوهشی نیز نباید از نظر دور بماند.

به اعتقاد دبیر کل در مقطع کنونی اقداماتی چند ضرورت دارد: نخست، سازمان بین‌المللی انرژی هسته‌ای از توان بیشتری در زمینه صحت اجرای معاهدات مربوطه برخوردار شود. این مهم

به دست داده است مبنی بر اینکه افزون بر کارهایی که اکنون از سوی کنوانسیون‌های موجود ممنوع شده است، هر کاری که به نیت کشتن و وارد آوردن آسیب جدی جسمی به افراد غیر نظامی یا غیر جنگنده با هدف ترساندن مردمان یا ادار ساختن دولت یا یک نهاد بین‌المللی به انجام دادن یا خودداری از عملی صورت پذیرد، اقدام تروریستی خوانده شود، یکسره موافقم. معتقدم که این پیشنهاد با اصول اخلاقی همخوانی دارد و از رهبران جهان می‌خواهم با این تعریف موافقت کنند تا بتوانیم کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم را پیش از پایان شصتین سالگرد مجمع عمومی به سرانجام برسانیم.

جلوگیری از دستیابی تروریست‌ها به تجهیزات هسته‌ای، حیاتی است و بدین منظور باید بی‌درنگ کنوانسیون بین‌المللی مربوط به مبارزه با تروریسم هسته‌ای را نهایی کنیم.

جرایم سازمان یافته فراملی

تهدیدهای ناشی از اقدامات تروریستی با تهدیدهای ناشی از جنایات سازمان یافته پیوند نزدیک دارد و به گونه‌ی فزاینده‌رو به گسترش است و امنیت همه دولت‌ها را به مخاطره می‌اندازد. جنایات سازمان یافته به تضعیف دولت‌ها می‌انجامد، رشد اقتصادی را کند می‌سازد، زمینه‌ساز بسیاری از جنگ‌های داخلی می‌شود و پیوسته تلاش‌های سازمان ملل متحد برای برقراری صلح را بی‌اثر می‌کند؛ گذشته از آن، امکانات مالی لازم برای گروه‌های تروریستی فراهم می‌آورد. این گونه گروه‌ها همچنین در قاچاق انسان و جنگ افزار نیز دست دارند.

در سال‌های اخیر سازمان ملل متحد با تصویب یا به اجرا درآوردن چند پروتکل و کنوانسیون اساسی، پیشرفتی چشمگیر در زمینه ایجاد چارچوب ضوابط و هنجارهای بین‌المللی برای مبارزه با فساد و جنایات سازمان یافته داشته است. با این حال، بسیاری از کشورهای عضو این پیمانها، هنوز چنان که باید آنها را به اجرا نگذاشته‌اند؛ در مواردی به این سبب که در واقع توان لازم را نداشته‌اند. همه دولت‌ها باید این کنوانسیون‌ها را هم بپذیرند و هم اجرا کنند؛ در همان حال

○ تروریسم همه

ارزش‌هایی را که سازمان ملل متحد به دفاع از آنها پایبند است یعنی احترام به حقوق بشر، حاکمیت قانون، پشتیبانی از غیرنظامیان، تسامح و تساهل میان ملت‌ها و دولت‌ها و حل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها را هدف گرفته است. شبکه‌های فراملی گروه‌های تروریستی در سطح جهان گسترده است و همه نقاط جهان را تهدید می‌کند. این گونه گروه‌ها تمایل خود را به دستیابی به جنگ افزارهای شیمیایی، هسته‌ای و بیولوژیک و وارد آوردن ضربه‌های بزرگ ابراز کرده‌اند. حتی یک مورد از این گونه حمله‌ها و سلسله رویدادهای پس از آن کافی است که جهان ما را برای همیشه تغییر دهد.

این هدفهای حیاتی برخوردار است.

میانجیگری

گرچه به دشواری می توان نشان داد که سازمان ملل متحد توانسته باشد به گونه کارساز از راه مساعی جمعیله دبیر کل از بسیاری درگیریها جلوگیری کند، ولی در پانزده سال اخیر در مقایسه با دو سده گذشته مولودی از جنگ های داخلی از راه میانجیگری پایان یافته است. این دستاوردها تا اندازه زیادی در پرتو رهبری سازمان ملل متحد، امکان مذاکره، هماهنگی استراتژیها و منابع در اجرای موافقتنامه های صلح محقق شده است. بی گمان اگر از قابلیت و نیروی لازم برخوردار بودیم می توانستیم از مرگ انسانهای بیشتری جلوگیری کنیم. از این رو، از اعضای سازمان ملل متحد می خواهم منابع بیشتری در اختیار دبیر کل بگذارند تا بتواند از مساعی جمعیله خود در موارد بیشتری بهره گیرد.

تحریم ها

تحریم ها ایزاری بسیار حیاتی در دست شورای امنیت برای برخورد پیشگیرانه با خطرهایی است که صلح و امنیت بین المللی را تهدید می کند. تحریمها حد وسط لازم میان جنگ و مذاکره است. در برخی موارد تحریم ها می تواند به انعقاد موافقتنامه کمک کند. به سخن دیگر، می تواند در کنار فشارهای ناشی از اقدامات نظامی، گروهها یا دولت های شورشی را که قطعنامه های شورای امنیت را زیر پا می گذارند، تضعیف یا منزوی کند.

همچنین، اعمال تحریم های مالی، سیاسی، تسلیحاتی، هوایی، مسافرتی و فروش کالا در مورد دولتهایی که به گونه مستقیم مسئول سیاست های شنیع هستند، ایزاری حیاتی در دست سازمان ملل متحد است. همه تحریم هایی که شورای امنیت اعمال می کند باید به گونه مؤثر با تقویت ظرفیتهای دولتی در اعمال تحریم ها، ایجاد مکانیسم های دقیق نظارتی و کاهش آثار منفی آنها بر مردمان بی گناه به اجرا در آید. با توجه به دشواریهایی که در سال های اخیر در راه اعمال تحریمها پیش آمده و با توجه به درسهایی که از این تحریمها آموخته شده است باید رژیم های آینده به گونه ای تدوین شود که

می تواند از راه پذیرش جهانی پروتکل الحاقی تحقق یابد؛ دوم، همچنان که دسترسی دولت های غیر هسته ای به فواید تکنولوژی هسته ای نباید محدود شود، در راه دستیابی دولت های غیر هسته ای به مزایای فناوری هسته ای نیز نباید مانعی پدید آید. گذشته از آن باید برای اینکه دولت های داوطلبانه از غنی سازی اورانیوم و جداسازی پلوتونیوم دست بکشند، ایجاد انگیزه کرد. از جمله این انگیزه ها، تضمین تهیه سوخت مورد نیاز آنها برای مصارف صلح آمیز خواهد بود. یکی از راهکارها می تواند این باشد که IAEA بعنوان تضمین کننده عرضه مواد مورد نیاز برای مصارف غیر نظامی به قیمت بازار عمل کند. دبیر کل همچنین با تأکید بر اینکه ان پی. تی پایه و اساس رژیم منع گسترش است، از تلاش های اخیر برای تکمیل آن از جمله قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت و نیز ابتکار داوطلبانه امنیت اشاعه که بر اساس آن کشورها برای جلوگیری از قاچاق غیرقانونی جنگ افزارهای هسته ای، بیولوژیک و شیمیایی همکاری کنند، پشتیبانی کرده است. در پایان این بخش، دبیر کل با اشاره به اینکه در دسترس بودن موشک های بالستیک هوشمند با برد زیاد و نیز مسئله گسترش موشک های دوش-پرتاب بسیاری از کشورها را نگران کرده است، بر ضرورت گزارش دهی مستمر سازمان های مربوطه به شورای امنیت تأکید ورزیده است.

کاهش خطر پروزو و گسترش جنگ

به گفته دبیر کل، برای سازمان ملل متحد هیچ کاری مهم تر از پیشگیری و حل درگیریهای خشونت آمیز نیست. بویژه پیشگیری باید محور همه تلاش های ما برای مبارزه با فقر، گسترش توسعه پایدار از راه بالا بردن توانمندیهای ملی در مدیریت بحرانها و درگیریها، گسترش دموکراسی و حاکمیت قانون، و مهار کردن نقل و انتقال جنگ افزارهای کوچک و سبک باشد. همچنین نباید از اهمیت کارهایی پیشگیرانه چون توسل به مساعی جمعیله، مراجعه به شورای امنیت و فرستادن نیروهای بازدارنده غافل شد.

اعضای سازمان ملل باید مطمئن شوند که سازمان از ساختار لازم و منابع مکفی برای تأمین

○ تهدیدهای ناشی از

اقدامات تروریستی با تهدیدهای ناشی از جنایات سازمان یافته پیوند نزدیک دارد و به گونه فزاینده رو به گسترش است و امنیت همه دولت ها را به مخاطره می اندازد. جنایات سازمان یافته به تضعیف دولت ها می انجامد، رشد اقتصادی را کند می سازد، زمینه ساز بسیاری از جنگ های داخلی می شود و پیوسته تلاشهای سازمان ملل متحد برای برقراری صلح را بی اثر می کند؛ گذشته از آن، امکانات مالی لازم برای گروههای تروریستی فراهم می آورد. این گونه گروهها همچنین در قاچاق انسان و جنگ افزار نیز دست دارند.

مردمان بی‌گناه و طرف‌های ثالث کمتر آسیب ببینند و شأن مجریان و نهادهای درگیر نیز محترم شمرده شود.

حفظ صلح

در دهه‌های اخیر، شورای امنیت در زمینه ایجاد ثبات و آرامش در مناطق درگیر منازعه و در ۱۵ سال اخیر در کمک به کشورهای که دوران درگیربهارا پشت سر گذاشته‌اند، اقدامات مؤثری در قالب گسیل داشتن نیروهای حافظ صلح انجام داده است. در پرتو افزایش اعتماد کشورها به عملیات سازمان ملل متحد در زمینه پاسداری از صلح، درخواست برای فرستادن این نیروها بیشتر شده و در نتیجه در حال حاضر سازمان ملل متحد بیش از هر زمان دیگر نیروی پاسدار صلح در جهان مستقر کرده است. بیشتر این عملیات در کشورهای آفریقایی انجام می‌شود و باید گفت که شوربختانه کشورهای توسعه یافته به گونه‌ی روزافزون در مورد فرستادن نیرو برای این عملیات اکره نشان می‌دهند و در نتیجه، توانمندیهای ما سخت رو به کاهش است.

از همه کشورهای عضو می‌خواهم با تقویت نیروهای پاسدار صلح، سازمان ملل متحد را در پاسخگویی به همه نیازهای موجود یاری دهند. بویژه از کشورهای عضو می‌خواهم با ایجاد نیروهای ذخیره استراتژیک، توان ما را برای فرستادن نیرو افزایش دهند تا در صورت لزوم سازمان ملل متحد بتواند آنها را در مناطق بحرانی مستقر کند.

دیبرکل همچنین بر نقش سازمان‌های منطقه‌ای از جمله تصمیماتی که به تازگی اتحادیه اروپا و سازمان وحدت آفریقا برای تشکیل نیروهای آماده اعزام گرفته‌اند تأکید کرده و آنها را بسیار ارزشمند و در راستای کمک به تلاش‌های سازمان ملل متحد دانسته است. در این بخش از گزارش، دیبرکل می‌گوید که زمان تصمیمات شجاعانه فرارسیده است از جمله درباره ایجاد نظام یکپارچه نیروهای پاسدار صلح که سازمان ملل متحد را قادر می‌سازد با سازمان‌های ذیربط منطقه‌ای همکاری کند.

از آنجا که حاکمیت قانون حیاتی‌ترین عنصر

برقراری صلح پایدار است، نیروهای پاسدار صلح و نیز نیروهای برقرار کننده صلح، در پاسداشت قانون و محترم شمردن حقوق مردمانی که مأمور کمک به آنها هستند، مسئولیتی بس خطیر دارند. با توجه به اتهاماتی که اخیراً در مورد بدرفتاری فرماندهان و پاسداران صلح سازمان ملل متحد مطرح شده است، سازمان باید بار دیگر بر پایبندی خود به حقوق بین‌الملل و حقوق بشر تأکید کند. آقای آنان می‌گویند در جهت افزایش توانمندیهای داخلی سازمان ملل برای نظارت بر عملکرد نیروهای پاسدار صلح تلاش خواهد کرد و از دولت‌ها می‌خواهد آنها نیز به وظیفه خود در تنبیه نیروی خاطی اعزامی از کشورشان عمل کنند. دیبرکل می‌افزاید از اینکه نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل متحد به سوءاستفاده جنسی از کودکان و دیگر گروه‌های آسیب‌پذیر متهم شده‌اند بسیار آزرده‌ام و با آن دسته از نیروهای سازمان ملل متحد که در حوزه مأموریت خود مرتکب چنین رفتاری می‌شوند، سخت برخورد خواهم کرد. از همه کشورهای عضو نیز می‌خواهم رفتار مشابهی با شهروندان خطا کار خود در فعالیت‌های مربوط به سازمان ملل متحد در پیش گیرند.

برپایی صلح

شوربختانه پیشینه موفقیت آمیز ما در اجرای موافقتنامه‌های صلح، با پاره‌ای کوتاهیهای زینبار لکه‌دار شده است. در دهه ۱۹۹۰ پس از بسته شدن قرارداد صلح، در چند مورد صحنه‌های خشونت آمیز و دلخراش دیده شد. رویدادهای آنگولا و رواندا در سال‌های ۱۹۹۳ و ۱۹۹۴ نمونه‌هایی بارز است. کمابیش نیمی از کشورهای که از جنگ‌هایی می‌یابند، در ظرف پنج سال بار دیگر به گرداب جنگ می‌افتند. این دو نکته برای ما این پیام را دارد که اگر می‌خواهیم جلو جنگ را بگیریم، باید بتوانیم از اجرا شدن موافقتنامه‌ها به گونه پایدار مطمئن شویم. در حال حاضر مکانیسم مناسبی برای کمک مؤثر به کشورهای جنگ‌زده به گونه‌ای که بتوانند دوران پس از جنگ را تارسیدن به صلح پایدار با آرامش بگذرانند پیش‌بینی نشده است. از این رو به اعضای سازمان ملل متحد تشکیل «کمیسیون بین‌الدولی برپایی

○ به گفته دیبرکل، برای سازمان ملل متحد هیچ کاری مهم‌تر از پیشگیری و حل درگیریهای خشونت‌آمیز نیست. بویژه پیشگیری باید محور همه تلاش‌های ما برای مبارزه با فقر، گسترش توسعه پایدار از راه بالا بردن توانمندیهای ملی در مدیریت بحرانها و درگیریها، گسترش دموکراسی و حاکمیت قانون، و مهار کردن نقل و انتقال جنگ‌افزارهای کوچک و سبک باشد.

ساماندهی و نظام‌مند کردن بازار و خرید و فروش این گونه جنگ افزارها تلاش کنند.

کاربرد زور - با استناد به ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد

این بخش، حسّاس‌ترین بخش گزارش دبیر کل است که با واکنش‌های گسترده کشورهای عضو سازمان، بویژه کشورهای در حال توسعه روبه‌رو شده است. دبیر کل در پاسخ به این پرسش که برای پاسداری از صلح و امنیت بین‌المللی چه موقع و چگونه می‌توان به زور متوسّل شد، می‌گوید: در سال‌های اخیر این مسئله میان اعضا شکاف انداخته است. آنها در موارد زیر اختلاف نظر دارند: آیا کشورهای در دفاع از خود در برابر تهدیدهای قریب‌الوقوع می‌توانند به عملیات پیش‌دستانه مبادرت ورزند؟ آیا حق دارند برای دفاع از خود در برابر تهدیدهای قریب‌الوقوع یا غیر عاجل دست به اقدامات پیشگیرانه بزنند؟ و اینکه آیا برای پاسداری از جان شهروندان دیگر کشورهای در برابر نسل‌کشی یا جرایم مشابه، حق یا مسئولیت کاربرد زور را دارند؟

اگر سازمان ملل را محلی برای حل اختلافها می‌دانیم، باید بر سر این مسائل به توافق برسیم. منشور ملل متحد در واقع بستر مناسبی برای شناخت فراهم می‌سازد.

تهدیدهای قریب‌الوقوع به گونه کامل در ماده ۵۱ منشور پوشش داده شده است. این ماده حق ذاتی کشورها را برای دفاع از خود در برابر حمله‌های مسلحانه شناخته است. حقوق‌آنان نیز مدتهاست به این باور رسیده‌اند که این ماده هم ناظر به حمله‌های قریب‌الوقوع است، هم حمله‌های در حال وقوع.

در مواقعی که تهدیدها فوری نیست ولی احتمال پیش آمدن آنها وجود دارد، منشور به شورای امنیت اختیار کامل می‌دهد که از نیروی نظامی از جمله به گونه پیشگیرانه، برای حفظ امنیت بین‌المللی استفاده کند. اما آیا نسل‌کشی، قوم‌زدایی و دیگر گونه‌های جنایت نسبت به بشریت تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی نیست؟ آیا اینها مولودی نیست که شورای امنیت

صلح را در کنار «اداره پشتیبانی از فعالیت‌های مربوط به بریایی صلح» در دبیرخانه سازمان ملل متحد پیشنهاد می‌کند.

دبیر کل وظایف کمیسیون بریایی صلح را چنین پیشنهاد می‌کند:

۱. بی‌درنگ پس از پایان جنگ در کشورهای جنگ‌زده، پیگیری برنامه‌ریزی سازمان ملل متحد در راستای بهبود اوضاع با تمرکز بر تأسیس نهادهای لازم؛

۲. تلاش در راه تأمین منابع مالی لازم برای فعالیت‌های بنیادینی که در دوران پس از جنگ ضرور است؛

۳. هماهنگ کردن فعالیت‌های نهادها، دفاتر، کارگزارها و صندوق‌های گوناگون سازمان ملل متحد در دوران پس از جنگ در حوزه مأموریت؛

۴. زمینه‌سازی برای گردهمایی نمایندگان سازمان ملل متحد، کشورهای تأمین‌کننده کمک و نیرو، بازیگران و سازمانهای ذریع منطقه‌ای، نهادهای مالی بین‌المللی و نیز دولت‌های انتقالی و فراهم ساختن امکان مشارکت مؤثر آنها در برنامه‌ریزی برای دوران پس از جنگ.

دبیر کل می‌افزاید که بهترین ترکیب کارایی و مشروعیت هنگامی نمود می‌یابد که کمیسیون پیشنهاد شده به شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی گزارش کند؛ همچنین کمیسیون بریایی صلح هنگامی می‌تواند مؤثر باشد که اعضای محوری آن متشکل باشد از اعضای غیر دائم شورای امنیت، شمار مشابهی از اعضای شورای اجتماعی و اقتصادی، نمایندگان کشورهای اصلی تأمین‌کننده نیرو، کشورهای عمده تأمین‌کننده منابع صندوق مالی عملیات پاسداری از صلح. گذشته از آن، کمیسیون بریایی صلح در کشور محل عملیات باید از مقامات ملی و همچنین سازمان‌ها و نهادها و بازیگران ذریع منطقه‌ای نیز استفاده کنند. مشارکت نهادهای مالی بین‌المللی نیز در این زمینه بسیار حیاتی است.

گسترش جنگ‌افزارهای کوچک و سبک همچنان تهدیدی جدی برای صلح و ثبات و توسعه پایدار است. از این رو دبیر کل از کشورهای عضو می‌خواهد برای رسیدن به توافق بر سر مکانیسم

○ کوفی انان: تهدیدهای قریب‌الوقوع به گونه کامل در ماده ۵۱ منشور پوشش داده شده است. این ماده حق ذاتی کشورها را برای دفاع از خود در برابر حمله‌های مسلحانه شناخته است. حقوق‌آنان نیز مدتهاست به این باور رسیده‌اند که این ماده هم ناظر به حمله‌های قریب‌الوقوع است، هم حمله‌های در حال وقوع.

○ در مواقعی که تهدیدها فوری نیست ولی احتمال پیش آمدن آنها وجود دارد، منشور به شورای امنیت اختیار کامل می دهد که از نیروی نظامی از جمله به گونه پیشگیرانه، برای حفظ امنیت بین المللی استفاده کند. اما آیا نسل کشی، قوم زدایی و دیگر گونه های جنایت نسبت به بشریت تهدید کننده صلح و امنیت بین المللی نیست؟ آیا اینها مواردی نیست که شورای امنیت باید بشریت را در برابرشان محافظت کند؟

باید بشریت را در برابرشان محافظت کند؟ وظیفه ما این نیست که جایگزینی برای شورای امنیت بعنوان منبع اقتدار بیابیم، بلکه مسئولیت ما این است که کارایی آن را افزایش دهیم. دبیر کل تأکید می کند که شورای امنیت باید به یک نظر مشترک درباره موارد کاربرد زور یا پشتیبانی از کاربرد زور برسد. وی ۵ معیار را بعنوان شاخص های شورای امنیت برای کاربرد زور برمی شمارد:

۱. میزان جدی بودن تهدیدها؛
۲. وجود هدف مناسب برای عملیات نظامی؛ هدفها واقعی باشد و در پس هدفهای اعلام شده مقاصد دیگری پنهان نباشد؛
۳. اقدام دیگری جز کاربرد زور برای رفع تهدید کافی نباشد؛
۴. متناسب بودن اقدام نظامی پیشنهادی و تهدید مورد نظر؛
۵. وجود امکان معقول و منطقی برای موفقیت.

دبیر کل با در نظر گرفتن معیارهای بالا در صدور مجوز برای عملیات نظامی، می تواند به شفافیت تصمیمات شورای امنیت بیفزاید و در نتیجه، مقبولیت آنرا چه در نزد افکار عمومی و چه در چشم دولت ها بیشتر کند. از این رو، پیشنهاد می کند که شورای امنیت در چارچوب قطعنامه ای این اصول و معیارها را برای کاربرد زور تبیین و اعلام کند که آنها را به هنگام تصمیم گیری درباره کاربرد زور یا صدور مجوز کاربرد زور در نظر خواهد گرفت.

حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه

انسانها حق دارند از زندگی شرافتمندانه برخوردار شوند. کشورهای عضو در اعلامیه هزاره تأکید کردند که در راه پیشبرد دموکراسی، تقویت حاکمیت قانون، احترام به همه حقوقی که رعایت آنها از دید بین المللی به رسمیت شناخته شده است و نیز آزادی های بنیادین انسان، از هیچ تلاشی فروگذار نخواهند کرد. در راستای این تعهد، آنها همچنین بر این نکته انگشت گذاشتند که در حالی که راهی از فقر و بیم اهمیت دارد، ولی کافی نیست. همه انسانها باید از حق زندگی

شرافتمندانه و محترمانه برخوردار شوند. پاسداری از ارزش های جهانی حاکمیت قانون، حقوق بشر و دموکراسی و گسترش دادن دامنه آنها، به خودی خود، هدف است. وجود آنها همچنین برای جهانی مبتنی بر عدالت و برخوردار از ثبات که در آن فرصتهای برابر برای همگان وجود داشته باشد، حیاتی است. هیچ برنامه ای برای تحقق امنیت و هیچ تلاشی برای رسیدن به توسعه موفق نخواهد شد مگر اینکه احترام به کرامت انسانی استوار باشد.

غناي قوانین مکتوب هیچ نسلی به اندازه قوانین موجود در دست نسل ما نیست. ما نسلی خوشبختیم از آن رو که مجموعه ای از اعلامیه های بین المللی در زمینه پاسداری از حقوق بشر در اختیار داریم که بیانگر هنجارهایی خیره کننده برای پشتیبانی از ستمدیدگان است. ما همچنین درباره همه چیز از حقوق دریاها گرفته تا تجارت، تروریسم، محیط زیست، جنگ افزارهای کوچک و سبک و جنگ افزارهای ویژه کشتار جمعی، قوانین و مقررات بین المللی داریم. در پی تجربیات تلخ، به این باور رسیدیم که باید حقوق بشر و حاکمیت قانون را در موافقتنامه های صلح گنجانده تا اجرای آنها تضمین شود. حتی تجربیاتی تلخ تر سبب شد تا این حقیقت را بپذیریم که هیچ اصل حقوقی حتی اصل حاکمیت هرگز نباید سرپوشی باشد برای نسل کشی، جنایت نسبت به بشریت و آسیب رسانیهای جمعی.

بی گمان اگر این قوانین اجرا نشود، اعلامیه ها ابتر خواهد بود. وعده هایمان، بی عمل، بی معناست. ساکنان دهکده ای که از صدای بمب افکن های دولت یا حضور شبه نظامیان جنایتکار در بیم و هراس به سر می برند، کمترین امید و به اژه های اجرا نشده کنوانسیون ژنو ندارند.

دبیر کل می گوید تا وقتی که نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد به شکنجه گران امکان می دهد که در نهادهای مهم حقوق بشری در سایه دوستانشان پنهان شوند، استناد به بیما نهی منع

تدوین شود، قوانین موجود باید به اجرا درآید و نهادهایمان برای تقویت حاکمیت قانون باید توانمندتر شود.

شکاف میان شعار و واقعیت و فاصله گفتار تا کردار در هیچ حوزه‌ای بیشتر و کشنده‌تر از حوزه قوانین بین‌المللی ناظر به مسائل انسان‌دوستانه نیست. هنگامی که جامعه بین‌الملل با نسل‌کشی یا نقض گسترده حقوق بشر روبه‌روست، شایسته نیست که سازمان ملل متحد دست روی دست بگذارد و ادامه یافتن این وضع را با پیامدهای وحشتناکش برای صدها هزار انسان بیگناه بپذیرد. سال‌هاست که توجه کشورهای عضو را به این موضوع جلب کرده‌ام. در همین سالگرد نسل‌کشی در رواندا طرحی ده‌ماده‌ای برای پیشگیری از نسل‌کشی ارائه کردم و در آن بر ضرورت پیشگیری از درگیری‌های مسلحانه، دست زدن به کارهای مؤثر برای حفظ جان غیرنظامیان، پرداختن به اقدامات قضایی برای مقابله با مصونیت، اعلام خطر زودهنگام به منظور پیشگیری از نسل‌کشی و اقدامات قاطع و سریع به‌هنگام بروز نسل‌کشی یا چنانچه احتمال نسل‌کشی وجود داشته باشد، انگشت گذاشتم. البته برای جلوگیری از جنایات دهشتناک و تضمین اینکه جامعه بین‌الملل با شتاب به رویارویی با این گونه جنایتها برخواند خاست، هنوز بسیار کارها باید صورت گیرد.

دیبرکل در گزارش خود اعلام می‌کند که مصمم است یک واحد حمایت از حاکمیت قانون در بخش پشتیبانی صلح در دبیرخانه ایجاد کند که وظیفه آن بازگرداندن حاکمیت قانون به جوامعی است که گرفتار زدوخوردهستند یا دوران پس از درگیری را می‌گذرانند. گذشته از آن، آقای آنان با اشاره به اینکه عدالت یکی از مهمترین عناصر حاکمیت قانون است به تحولات مثبتی که این زمینه پس از برپا شدن دیوان بین‌المللی کیفری و نیز دیگر دیوان‌های ویژه بین‌المللی و مکانیزم‌های تحقیق سازمان ملل پدید آمده است پرداخته و از کشورها خواسته است برپایه این مکانیزم‌ها

شکنجه سودی برای زندانیان زیر شکنجه نخواهد داشت. کشورهای عضو در نشست امسال باید تصمیم بگیرند که به استواری حاکمیت قانون در سطوح ملی و بین‌المللی کمک کنند، موقعیت و ساختار دستگاه حقوق بشر سازمان ملل متحد را تقویت کنند و به‌گونه مستقیم به پشتیبانی از تلاش‌هایی که برای نهادینه کردن و تعمیق دموکراسی در میان کشورها در گوشه و کنار جهان می‌شود، بپردازند. ماهمچنین باید مسئولیت دفاع از قربانیان بالقوه و بالفعل جنایات گسترده را بپذیریم و برپایه این مسئولیت اقدام کنیم. زمان آن فرا رسیده است که دولتها در برابر شهروندان خود و هم‌چنین نسبت به یکدیگر و در زمینه احترام به کرامت انسانی مسئولیت بپذیرند. باید از دوران قانون‌گذاری به دوران اجرای قوانین گام نهمیم. کمتر از این، درخور اصول اعلام شده و منافع مشترکمان نیست.

حاکمیت قانون

دیبرکل در این بخش تأکید می‌کند که هر دولتی از حاکمیت قانون در سرزمین خود دم می‌زند باید حاکمیت قانون در فراسوی مرزهایش را نیز محترم شمارد و دولتهایی که از حاکمیت قانون در سطح بین‌المللی سخن می‌گویند باید در درون مرزهایشان نیز حاکمیت قانون را محترم بدارند. در اعلامیه هزاره نیز بر پابندی سران کشورها به حاکمیت قانون در همه‌گونه‌هایش با هدف گسترش امنیت و رونق اقتصادی در جوامعشان تأکید شده است. با وجود این، دولت‌ها و افراد در بسیاری جاها همچنان قانون‌شکنی می‌کنند. پیامدهای سوء زیر یا گذاشته شدن قانون، بیشتر متوجه گروههای ناتوان و آسیب‌پذیر است تا قانون‌گريزان. در مواردی نیز کسانی که هیچ دایعه‌ای در پابندی به قانون ندارند، مانند گروههای تروریستی و مسلح، در سایه ضعف و ناکارایی نهادهای مسئول برپایی صلح و مکانیزم‌های اجرایی، توان قانون‌شکنی می‌یابند. حاکمیت قانون به خودی خود کافی نیست. قوانین تازه‌ای باید

○ در پی تجربیات تلخ، به این باور رسیدیم که باید حقوق بشر و حاکمیت قانون را در موافقتنامه‌های صلح گنجانند تا اجرای آنها تضمین شود. حتی تجربیاتی تلخ‌تر سبب شد تا این حقیقت را بپذیریم که هیچ اصل حقوقی حتی اصل حاکمیت هرگز نباید سرپوشی باشد برای نسل‌کشی، جنایت نسبت به بشريت و آسیب‌رسانیهای جمعی.

همکاری و به درخواست این نهادها متهمان را تسلیم کنند.

اهمیت دیوان بین‌المللی دادگستری در زمینه حل اختلافها میان کشورها و موفقیت‌های به دست آمده در سال‌های گذشته در این زمینه و درخواست از دولت‌ها که صلاحیت اجباری دیوان را یکسره یا دستکم در مواردی خاص بپذیرند، از نکات دیگری است که دبیر کل در گزارش خود به آنها پرداخته است.

حقوق بشر

حساس‌ترین بخش گزارش دبیر کل در زمینه مسائل حقوق بشر است. در این بخش دبیر کل تأکید می‌کند که حقوق بشر به همان اندازه که برای تهدیدستان مهم است برای توانگران نیز بنیادی است؛ رعایت شدن حقوق بشر به همان سان برای امنیت و شکوفایی در جهان توسعه یافته اهمیت دارد که برای جهان در حال توسعه. خطایی بسیار بزرگ است اگر پنداشته شود که با هدف حفظ امنیت یا برای توسعه می‌توان حقوق بشر را پایمال کرد. اگر حقوق بشر را در مورد شهروندان زیر پا گذاریم، در واقع خود را در مبارزه با پیامدهای ویرانگر فقر یا تروریسم تضعیف کرده‌ایم. استراتژی‌های استوار بر حقوق بشر، هم برای ارزش‌های اخلاقی و هم برای کارساز بودن اقداماتمان حیاتی است.

سازمان ملل متحد از آغاز، خود را به ایجاد جهانی آکنده از صلح و عدالت بر پایه رعایت جهانی حقوق بشر پایبند ساخته است و در اعلامیه هزاره نیز بار دیگر بر این رسالت انگشت گذاشته شده است. با این همه، نظام ویژه رعایت حقوق بشر در سطح بین‌المللی نارسایی‌هایی چشمگیر دارد. اگر سازمان ملل متحد می‌خواهد در چارچوب فعالیت‌های خود در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر مشارکتی دیرپا و ارزنده داشته باشد، ایجاد تغییر گریزناپذیر خواهد بود.

تحول چشمگیر در حال وقوع است. از زمان صدور اعلامیه هزاره تاکنون دستگاه حقوق بشر سازمان ملل متحد حوزه فعالیت خود را در

پشتیبانی از حقوق بشر، ارائه کمک‌های فنی و پشتیبانی از نهادهای ملی حقوق بشر به گونه‌ای گسترش داده است که معیارهای جهانی حقوق بشر اکنون در بسیاری از کشور به گونه‌ای بهتر اجرا می‌شود.

دبیر کل ضمن یادآوری نیاز به منابع بیشتر برای اجرای پروژه‌های حقوق بشری از جمله آموزش نیروهای لازم، تأکید می‌کند هنگامی که اصول بنیادین حقوق بشر نقض می‌شود دیگر کمک‌های فنی و نهادسازی معنا یا فایده‌ای نخواهد داشت.

افزایش درخواستهای شورای امنیت از کمیسیون عالی حقوق بشر برای دادن گزارش در خصوص موارد ویژه نشان می‌دهد که اکنون آگاهی بیشتری نسبت به ضرورت رعایت حقوق بشر در قطعنامه‌های مربوط به صلح و امنیت بین‌المللی پدید آمده است. کمیسیون عالی باید نقش فعال‌تری در مباحث شورای امنیت و گروه‌برایی صلح - که دبیر کل بیشتر ایجاد آن را پیشنهاد کرده بود - داشته باشد و بر اجرای مطالب مربوطه در قطعنامه‌های شورای امنیت تأکید کند. در واقع رعایت حقوق بشر باید با مباحث و تصمیم‌گیری‌های سازمان ملل آمیخته شود. مفهوم «برجسته شدن» حقوق بشر در سال‌های اخیر بسیار جلب توجه کرده است؛ با وجود این هنوز به اندازه کافی در سیاست‌های کلیدی و منابع تصمیم‌گیری منعکس نشده است.

این شواهد گویای لزوم تقویت تشکیلات کمیساریای عالی حقوق بشر است. هر چند نقش کمیساریای عالی در زمینه رویارویی با بحران، ظرفیت‌های ملی برای پرداختن به حقوق بشر، پشتیبانی از هدفهای مربوط به توسعه مندرج در اعلامیه هزاره و پیشگیری از درگیری افزایش یافته است، ولی تشکیلات ذیربط برای رویارویی با چالش‌های گسترده تر حقوق بشر در سطح جهانی همچنان ناتوان مانده است. کمیسیون عالی موظف شده است در مدت شصت روز برنامه کاری خود را ارائه کند. لازم است که کمیسیون عالی و تشکیلاتش در همه ابعاد فعالیت‌های سازمان ملل متحد درگیر باشند. این هدف تنها هنگامی برآورده می‌شود که

○ دبیر کل می‌گوید تا وقتی که نظام حقوق بشری سازمان ملل متحد به شکنجه گران امکان می‌دهد که در نهادهای مهم حقوق بشری در سایه دوستانشان پنهان شوند، استناد به پیمانهای منع شکنجه سودی برای زندانیان زیر شکنجه نخواهد داشت.

نهادهای بین‌الدولی ناظر به حقوق بشر نیرومند باشد. البته لازم است که مجموعه قوانین مربوط، در پاسخ به مواردی که حقوق بشر زیر پا گذاشته می‌شود، مؤثرتر به اجرا درآید.

دیبر کل در بخش دیگری از گزارش خود تصریح می‌کند که در حال حاضر توان کمیسیون حقوق بشر برای اجرای وظایفش در سایه کاهش اعتبار و کاهش بنیه حرفه‌ای، سستی گرفته است؛ زیرا برخی از کشورها، نه با انگیزه تقویت حقوق بشر بلکه برای حفاظت از خود در برابر انتقاد یا برای انتقاد از دیگران، به عضویت این کمیسیون درآمده‌اند. این گونه مشکلات سبب شده است که کمیسیون حقوق بشر با بحران اعتبار روبه‌رو شود و این، در جای خود به مخدوش شدن اعتبار سازمان ملل می‌انجامد.

دیبر کل معتقد است که اگر قرار است موضوع حقوق بشر مورد توجه جدی قرار گیرد و به این مقوله نیز دست کم به اندازه توسعه و مسائل امنیتی پرداخته شود، باید به جای کمیسیون حقوق بشر یک شورای حقوق بشر برپا شود که از کمیسیون کوچکتر اما نشستهای دائم داشته باشد. اعضای سازمان ملل متحد باید تصمیم بگیرند که این شورا رکنی مستقل یا زیر نظر مجمع عمومی باشد. به هر رو، اعضای شورای پیشنهاد شده باید به گونه مستقیم، از سوی دو سوم اعضای حاضر و رأی‌دهنده در مجمع عمومی برگزیده شوند. ترکیب اعضای این شورا و مدت عضویت آنها را نیز اعضای سازمان ملل متحد مشخص خواهند کرد. کسانی که برای عضویت در این شورا برگزیده خواهند شد باید متعهد به رعایت بالاترین ضوابط حقوق بشری باشند.

دمو کراسی

اعلامیه جهانی حقوق بشر تصویب شده در مجمع عمومی در ۱۹۴۸ عناصر بنیادی دمو کراسی را بر شمرده است. از زمان تصویب اعلامیه حقوق بشر تاکنون، پیشرفت در زمینه دمو کراسی چشمگیر بوده، اصول مندرج در آن در قوانین اساسی در گوشه و کنار جهان گنجانده شده و

بیشتر «تلاش می‌کند. در اعلامیه هزاره، کشورهای عضو متعهد شدند که همه توان خود را برای اجرای اصول دمو کراسی و گسترش رفتار دموکراتیک به کار گیرند. در همان سال مجمع عمومی نیز قطعنامه‌ای در زمینه پیشبرد و تحکیم دمو کراسی تصویب کرد. تاکنون بیش از یکصد کشور اعلامیه ورشو درباره جامعه دموکراسیها را امضا و برنامه کاری تصویب شده در ستول را تأیید کرده‌اند که در آن عناصر اساسی دمو کراسی و معیارهای پیشبرد و گسترش آن آمده است. بسیاری از سازمانهای منطقه‌ای تشویق دمو کراسی را محور فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. همه این تلاشها نشان می‌دهد که دمو کراسی به کشور یا منطقه‌ای خاص تعلق ندارد، بلکه حقی جهانی شمول است.

البته، این پیمانها باید با رفتارها همخوان باشد؛ احترام به دمو کراسی مستلزم هشیاری است. خطرهای تهدیدکننده دمو کراسی به هیچ‌رو از میان نرفته است. بارها دیده‌ایم که گذار به دمو کراسی آسان نیست و می‌تواند با شکست‌هایی همراه باشد. در این راستا، سازمان ملل متحد کشورهای عضو را با خدمات حقوقی، فنی، مالی و مشورتی یاری می‌دهد. برای نمونه، سازمان ملل هر روز خدمات بیشتری برای برگزاری انتخابات در کشورهایایی که با شرایطی بسیار سرنوشته‌ساز روبه‌رویند ارائه می‌کند. تنها در سال ۲۰۰۴، سازمان ملل در ۲۰ کشور جهان از جمله عراق، افغانستان، فلسطین و بروندی خدمات لازم برای برگزاری انتخابات ارائه کرده است. درخواست این گونه خدمات هر سال رو به افزایش است.

دیبر کل در این بخش از گزارش خود تأکید می‌کند که گرچه در سال‌های گذشته در جهت پیشبرد دمو کراسی تلاشهایی چشمگیر صورت پذیرفته است، اما از این پس باید تلاشها افزایش یابد

○ پیامدهای سنگین زیر پا گذاشته شدن قانون، بیشتر متوجه گروه‌های ناتوان و آسیب‌پذیر است تا قانون‌گريزان. در مواردی نیز کسانی که هیچ داعیه‌ای در پایبندی به قانون ندارند، مانند گروه‌های تروریستی و مسلح، در سایه ضعف و ناکارایی نهادهای مسئول برپایی صلح و مکانیسم‌های اجرایی، توان قانون‌شکنی می‌یابند.

می گوید که از آغاز کار خود بعنوان دبیر کل، یکی از اولویتهای کاری خود را دگرگون ساختن ساختارها و فرهنگ درونی سازمان ملل دانسته است تا این سازمان برای اعضایش و نیز همه جهانیان سودمندتر شود. در این زمینه موفقیت های بسیار به دست آمده است. امروزه ساختار این سازمان کارا تر و روش های کاری آن مؤثرتر شده و در اجرای بسیاری از برنامه ها هماهنگ تر عمل می کند و توانسته است در بسیاری از زمینه ها با جوامع مدنی و بخش های خصوصی روابط کاری برقرار کند. به هر رو تغییرات بسیاری لازم است، نه تنها در ساختار دبیرخانه، بلکه در بخش های بین الدولی.

مجمع عمومی

چنان که در اعلامیه هزاره تأکید شده است، مجمع عمومی در سیاست گذاری، برجسته ترین رکن سازمان ملل متحد است. بویژه تعیین بودجه و گزینش اعضا از وظایف مهم این رکن است. گزینش اعضای موقت شورای امنیت نیز بر عهده مجمع عمومی است. بنابراین اعضا حق دارند نسبت به کاهش و جهت این رکن و همچنین نقش آن در فعالیت های سازمان نگران باشند. این روند باید متوقف شود و این، تنها هنگامی متحقق می شود که مجمع عمومی کارا تر باشد.

در سال های اخیر بر شمار قطعنامه هایی که در مجمع عمومی با اجماع به تصویب رسیده افزوده شده است. این، اگر نمایانگر یکدستی واقعی هدف های اعضا در برخورد با چالش های جهانی باشد، پدیده ای است خجسته، ولی شوربختانه حصول اجماع در بیشتر موارد، خود به هدف تبدیل شده و در عمل شیوه مؤثری برای نزدیک کردن منافع دولت ها نیست و سبب شده است که مجمع عمومی به کلی گویی و پرهیز از برخورد جدی با مسائل روی آورد. این گونه بحث و جدل ها بیشتر بر محور روندها می چرخد، نه کنه و محتوای مسائل، و تصمیمات نیز بر پایه کمترین مشترکات موجود در میان گستره ای از نظرات گوناگون گرفته می شود. تقویت نقش رئیس مجمع و افزایش توجه

و این تلاشها نباید تنها معطوف به قاعده سازی باشد بلکه باید به اعضای سازمان ملل متحد نیز برای گسترش و تعمیق ارزش های دموکراتیک کمک کرد. در این زمینه باید صندوقی در سازمان ملل متحد با عنوان صندوق کمک به پیشبرد دموکراسی در جهان برپا کنیم که هدف آن کمک به کشورهای باشد که در پی ایجاد یا تقویت دموکراسی هستند. دبیر کل همچنین اعلام می کند که قصد دارد برای ایجاد ارتباط بیشتر میان بخش پیگیری اصول و ارزش های دموکراتیک که قرار است در دبیرخانه تشکیل شود و برنامه توسعه ملل متحد تلاش کند.

ع. تقویت ساختار سازمان ملل متحد

دبیر کل در آغاز این بخش، با اشاره به بخش نخستین گزارش خود تأکید می کند که اصول و هدف های مندرج در منشور سازمان ملل متحد همچنان معتبر و با مقتضیات امروز جهان همخوان است، همچنان که در سال ۱۹۴۵ بوده است. افزون بر آن، دوران کنونی زمان بسیار ارزشمندی است که این منشور به اجرا در آید. گرچه اصول و هدفها باید دست نخورده بماند، ولی شیوه اجرا و ساختار سازمان در گذر زمان باید تغییر یابد. اگر می خواهیم سازمان ملل متحد ابزاری کارا در خدمت کشورهای عضو و همه جهانیان باشد، باید یکسره با مقتضیات و نیازهای سده بیست و یکم همسو شود. این سازمان باید نه تنها به روی کشورهای بلکه نهادهای مدنی نیز گشوده باشد، زیرا این نهادها در سطوح ملی و بین المللی نقش سازنده ای بازی می کنند.

روشن است که سازمان ملل متحد برای دورانی متفاوت از امروز برپا شده است؛ از همین رو همه برنامه های ما با نیازهای کنونی همخوان نیست. به همین دلیل سران کشورهای و دولت ها در اعلامیه هزاره بر تقویت سازمان ملل متحد تأکید کردند تا به گونه ای کارا تر بتواند اولویتهای خود را تحقق بخشد.

کوفی انان در این بخش از گزارش خود

○ شکاف میان شعار و واقعیت و فاصله گفتار تا کردار در هیچ حوزه ای بیشتر و کشنده تر از حوزه قوانین بین المللی ناظر به مسائل انساندوستانه نیست. هنگامی که جامعه بین الملل با نسل کشی یا نقض گسترده حقوق بشر روبه روست، شایسته نیست که سازمان ملل متحد دست روی دست بگذارد و ادامه یافتن این وضع را با پیامدهای وحشتناکش برای صدها هزار انسان بیگناه بپذیرد.

این رکن به مسائل محتوایی و مشکلات روز مانند مهاجران بین‌المللی و نیز کنوانسیون جامع مبارزه با تروریسم می‌تواند به کارایی مجمع عمومی بیفزاید.

شوراها

دبیر کل در بخش دیگری از گزارش خود، پس از تأکید بر ضرورت سیستماتیک شدن از تباطو و تعامل جوامع مدنی با مجمع عمومی، می‌گوید با توجه به اینکه مهمترین مسائل بشری در سه حوزه امنیتی، اقتصادی و حقوق بشر است، شایسته است که در سازمان ملل متحد نیز سه شورا داشته باشیم. برای مقوله‌های امنیتی و اقتصادی دو شورا وجود دارد که همان شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی است؛ اکنون باید برای مسائل مربوط به حقوق بشر نیز شورای «حقوق بشر» برپا شود. وی می‌افزاید بنیانگذاران، سازمان ملل متحد را با سه شورا تشکیل دادند که هر یک وظایف عمده‌ای در حوزه مسئولیت‌های خود داشت: شورای امنیت، شورای اقتصادی و اجتماعی و شورای قیمومت. در گذر زمان توازن مسئولیت‌ها میان آنها به هم خورده است. شورای امنیت به گونه‌فزاینده به قدرت خود افزوده است و بویژه پس از پایان جنگ سرد، از همخوانی هدفهای اعضای دائم بر خورد شده است؛ هر چند قدرت شورای امنیت با این استدلال که ترکیب آن مبنایی آثار شستی دارد و بیانگر واقعیت‌ها نیست، مورد اعتراض و پرسش است. شورای اقتصادی و اجتماعی بیشتر سرگرم مسائل اقتصادی و اجتماعی و در حاشیه بوده است و شورای قیمومت نیز وظایف خود را با موفقیت به انجام رسانده و دیگر دلیلی برای بقای آن وجود ندارد.

معتقدم با تشکیل سه شورا که مسئولیت‌هایشان در حوزه‌های امنیت و صلح بین‌المللی، امور اقتصادی و اجتماعی و حقوق بشر باشد، باید وضعی متعادل پدید آوریم. پیشبرد حقوق بشر، از آغاز، یکی از هدفهای سازمان ملل متحد بوده و اکنون نیازمند یک ساختار اجرایی کارا است. این شوراها در کنار هم مسئول پیشبرد برنامه‌هایی

خواهند بود که در نشست سران و دیگر نشستهای کشورهای عضو تدوین می‌شود. البته دو شورای نخست هم اکنون وجود دارد ولی باید تقویت شود. شورای پیشنهادی سوم نیز وابسته به برنامه‌ای درازمدت و در واقع در راستای تقویت تشکیلات کنونی دست‌اندر کار حقوق بشر است.

شورای امنیت

همه اعضا آگاهند که بر پایه منشور، مسئولیت اصلی شورای امنیت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و تصمیمات آن لازم‌الاجرا است. از این رو نه تنها برای سازمان بلکه برای جهان بسیار حیاتی است که این شورا به ابزارهای لازم برای ایفای مسئولیت‌هایش مجهز و تصمیماتش در سراسر جهان محترم شمرده شود.

در اعلامیه هزاره همه دولت‌ها متعهد شدند که برای صورت دادن اصلاحاتی جامع در شورای امنیت در همه ابعاد، تلاش کنند. در این راستا باید زمینه مشارکت بیشتر نمایندگان جامعه جهانی در ترکیب این شورا فراهم شود، به گونه‌ای که ترکیب آن منعکس‌کننده واقعیت‌های ژئوپلیتیکی این زمان باشد و نیز شیوه‌های کاری شورای امنیت کارا تر و شفاف تر شود.

از دید آقای کوفی انان، در روند اصلاح شورای امنیت باید به گونه‌ای عمل شود که این رکن از یک سو نماینده شمار بیشتری از جهانیان باشد و از سوی دیگر هر گاه اقدامی برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی لازم است، به‌واقع دست به کار شود. در روند اصلاحات شورای امنیت باید زمینه حضور کشورهای در این شورا فراهم شود که: نخست، از نظر مالی، دیپلماتیک و نیروی نظامی به سازمان ملل کمک بیشتری می‌کنند؛ دوم، موافقت که ۷۰ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را بعنوان کمک رسمی به اجرای برنامه‌های توسعه در اختیار سازمان بگذارند؛ سوم، نمایندگی شمار بیشتری از مردمان را بر عهده دارند؛ چهارم، حضورشان در شورا به کارایی آن آسیب نمی‌زند بلکه سرشت دموکراتیک و پاسخگویی شورا را تقویت می‌کند. دبیر کل با تأیید الگوهای پیشنهاد شده از سوی

○ حقوق بشر به همان اندازه که برای تهیدستان مهم است برای توانگران نیز بنیادی است؛ رعایت شدن حقوق بشر به همان سان برای امنیت و شکوفایی در جهان توسعه یافته اهمیت دارد که برای جهان در حال توسعه. خطایی بسیار بزرگ است اگر پنداشته شود که با هدف حفظ امنیت یا برای توسعه می‌توان حقوق بشر را پایمال کرد. اگر حقوق بشر را در مورد شهروندان زیر پا گذاریم، در واقع خود را در مبارزه با پیامدهای ویرانگر فقر یا تروریسم تضعیف کرده‌ایم.

در نظر دارم سازمان‌های منطقه‌ای را در ارگان‌های هماهنگ کننده کارها بویژه کارهایی که مورد علاقه آنهاست مشارکت دهم. مقررات سازمان ملل باید این امکان را فراهم سازد که بتوانیم از بودجه سازمان به آن دسته از سازمان‌های منطقه‌ای که در جهت صلح و امنیت فعالیت دارند با مجوز شورای امنیت کمک کنیم.

منشور

دبیر کل می‌نویسد در آغاز این گزارش تأکید کردم که اصول منشور این سازمان هنوز معتبر و همچنان سنگ بنای فعالیت این سازمان است. تغییرات زیادی در شیوه کار پدید آمده است بی آنکه نیازی به تغییر این سند باشد.

بی‌گمان امروز سازمان ملل متحد در دنیایی یکسره متفاوت با دنیای سال ۱۹۴۵ کار می‌کند. از این رو باید واقعیت‌های جهان امروز را منعکس کند بویژه اینکه زمان آن فرا رسیده است که واژه دشمن از بندهای ۵۳ و ۱۰۷ منشور حذف شود.

شورای قیمومت نقش بسیار حیاتی در بالا بردن معیارهای مدیریتی در سرزمین‌های زیر قیمومت بازی کرده، ولی به هر حال وظایف آن پایان یافته است و ماده هشت منشور که مربوط به شورای قیمومت است و به همین سان ماده ۴۷ منشور درباره کمیته کارکنان نظامی و دیگر مواردی که به این کمیته اشاره دارد، از منشور حذف شود.

بخش پایانی گزارش دبیر کل

آقای انان در بخش پایانی گزارش خود می‌نویسد برای نخستین بار در تاریخ، سرنوشت انسانها از زن و مرد، خرد و کلان و دارا و ندار در سراسر جهان به هم گره خورده و نیازهای اخلاقی و منافع عینی ما را به هم پیوند داده است و چنانچه بمواقع به یافتن زمینه‌های مشترک و استمرار اقدامات جمعی علاقمندیم باید برای برپایی جهانی برخوردار از «آزادی بیشتر» تلاش کنیم. این وظیفه که خطیر می‌نماید بسیار ساده می‌تواند به کلی‌گویی و به زمینه‌های اختلاف کشیده شود که نتیجه آن تشدید اختلافها خواهد بود، نه برطرف

گروه بلندپایه در مورد چگونگی افزایش اعضای شورای امنیت و ترکیب آن می‌گوید که بر پایه الگوی الف ۶ عضو دائم و سه عضو غیر دائم و بر پایه الگوی ب ۸ عضو غیر دائم با مدت عضویت ۴ ساله و تمدیدشدنی و نیز یک عضو غیر دائم با مدت عضویت دو ساله و تمدیدنشده به شورا افزوده خواهند شد. کوفی انان تصریح می‌کند که اعضای سازمان باید پیش از نشست سران در سپتامبر ۲۰۰۵ در نیویورک در مورد یکی از این دو الگو یا هر الگوی دیگری که بر پایه این دو الگو طراحی شده باشد به توافق برسند. وی همچنین تأکید می‌کند که بهتر است اعضا در خصوص افزایش اعضای شورای امنیت با اجماع به توافق برسند، ولی به دست نیامدن اجماع نباید بهانه‌ای برای به تعویق انداختن موضوع باشد.

سازمان‌های منطقه‌ای

تقویت هر چه بیشتر همکاری‌های سازمان ملل متحد با سازمان‌های منطقه‌ای و بهره‌گیری از توانمندیهای آنها در اجرای برنامه‌های مورد نظر سازمان ملل، در شمار مهمترین مسائلی است که دبیر کل در گزارش خود به آنها پرداخته است. به گفته دبیر کل امروز شمار چشمگیری سازمان‌های منطقه‌ای در راستای هدفهای سازمان ملل که پاسداری از صلح و امنیت در جهان است فعالیت دارند و سازمان ملل متحد و سازمان‌های منطقه‌ای باید در رویارویی با چالش‌هایی که در سطح جهان، صلح و امنیت را به خطر می‌اندازد، همکاری کنند. از این رو کشورهای کمک‌دهنده باید برنامه ده ساله مربوط به ظرفیت‌سازی اتحادیه آفریقا را مورد توجه ویژه قرار دهند. آقای انان در گزارش خود می‌افزاید به منظور تقویت روابط سازمان ملل با سازمان‌های منطقه‌ای در چارچوب منشور، در نظر دارم تفاهم‌نامه‌ای میان سازمان ملل متحد و یکایک این سازمان‌ها در زمینه تبادل اطلاعات، تجارت و منابع مورد نیاز ببندم. این تفاهم‌نامه توانمندی آن دسته از سازمان‌ها را که قابلیت پیشگیری از درگیری‌ها و پاسداری از صلح دارند، در چارچوبی ویژه قرار می‌دهد.

○ اگر می‌خواهیم سازمان ملل متحد ایزاری کارادر خدمت کشورهای عضو و همه جهانیان باشد، باید یکسره با مقتضیات و نیازهای سده بیست و یکم همسو شود. این سازمان باید نه تنها به روی کشورها بلکه نهادهای مدنی نیز گشوده باشد، زیرا این نهادها در سطوح ملی و بین‌المللی نقش سازنده‌ای بازی می‌کنند.

ملی قرار داد؛

۳. از آنجا که هرگونه اصلاح محتوایی و ساختاری سازمان به منافع درازمدت همه کشورهای بستگی پیدا می‌کند، هیچ کشوری مصون از پیامدهای مثبت یا منفی آن نیست و در همان حال جز از راه همراهی و همسویی با دیگران از جمله گروه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی (برای نمونه گروه غیرمتعهدها) نخواهد توانست منافع خود را در جریان این تغییر و تحولات سرنویس ساز تأمین کند. البته به سازمان کنفرانس اسلامی نباید چندان دل بست که خود گرفتار ضعف‌های نظری و ساختاری بنیادی است و دستکم امروز چیزی از این کوزه شکسته برون نمی‌تراود؛

۴. راهکارهای پیشنهادی دبیرکل برای اصلاح سازمان ملل، استوار بر اندیشه‌هایی است که به گفته‌ی وی در راستای هدفهای منشور است. گرچه برداشت دبیرکل از منشور در جای خود محترم است زیرا از منشور نیز همچون دیگر متون تفسیرهای گوناگون و گاه متناقض می‌شود، ولی باید به این نکته نیز توجه داشت که راهکارهای پیشنهادی او ناگزیر متأثر از فضایی امنیتی است که با رویدادهای یازدهم سپتامبر و پس از آن آلوده شده است؛ فضایی که در آن بسیاری از اولویت‌های نوع بشر بویژه آنهایی که در جهان بااصطلاح درحال توسعه به‌سر می‌برند در زیر دوده‌های ناشی از منفجر شدن مرکز اقتصاد جهانی در نیویورک پنهان مانده است؛

۵. مهمترین و حساس‌ترین بخش گزارش دبیرکل در زمینه اصلاحات مفهومی و ساختاری سازمان ملل متحد متوجه ماده ۵۱ منشور و ترکیب اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت است و از این‌رو با منافع مستقیم و غیرمستقیم یکایک اعضای سازمان سروکار پیدا می‌کند. دبیرکل دو الگو برای شورای امنیت ارائه کرده است: یکی افزوده شدن شش عضو جدید به اعضای دائم شور و دیگری عضویت نیمه دائم در شور.

روشن است که عضویت آن دسته از کشورهایی که در زمره رقیبای سیاسی، اقتصادی و

شدن آنها. اکنون زمان آن فرارسیده است که درباره گذار از دوران تاریک جنگ و کم‌رنگ شدن حاکمیت قانون و تقویت نهاد مشترکمان برای پاسداشت صلح و امنیت، شکوفایی اقتصادی و احترام به حقوق بشر تصمیم بگیریم. اکنون زمان اقدام فرارسیده است. سخن گفتن با نیات عالی کافی است. در این گزارش به بیان مطالبی بسنده کرده‌ام که انجام یافتن آنها را در سال ۲۰۰۵ لازم می‌دانم. البته در بخش‌های گوناگون و همچنین در پیوست گزارش به مواردی اشاره کرده‌ام که توجه به آنها را به سران کشورها سفارش می‌کنم. به هر حال اکنون زمان آن فرارسیده است که به مسئولیت‌هایی خود جامعه عمل ببوشانیم. این جهان مربوط به ماست و چالش‌های آن نیز از آن ماست.

بخش دوم: چند نکته در خور توجه^۳

درباره گزارش دبیرکل، پرداختن به چند نکته زیر لازم می‌نماید:

۱. اصلاحات مفهومی و ساختاری در سازمان ملل متحد به ضرورتی گریزناپذیر تبدیل شده است. اوضاع کنونی بین‌المللی که تا اندازه زیادی متأثر از رخدادهای یازدهم سپتامبر و ناکامی سازمان ملل متحد در جلوگیری از جنگ در عراق و نیز آشفتگی‌های اداری سازمان است، دگرگونی مفهومی و ساختاری در سازمان ملل را بیش از پیش ضرور ساخته است؛ گذشته از آن، از هنگام برپا شدن، سازمان تاکنون، نخستین بار است که در مورد ضرورت اصلاحات، در میان اعضاء اجماع نظر پدید آمده است.

۲. گزارش دبیرکل سنگ بنای هرگونه اصلاحات ریشه‌ای در سازمان ملل است؛ بنابراین باید آن را جدی گرفت، راهکارهای پیشنهادی وی را با دقت کارشناسانه مورد بررسی قرار داد و همخوانی‌ها و همسویی‌های آنرا با منافع ملی ایران شناسایی و برای تأمین منافع کشور در نظر گرفت و برنامه‌ریزی کرد و در تعیین مواضع، دور از احساسات ایدئولوژیک رفتار کرد و شاخص تصمیمات را نیز تنها منافع درازمدت و کوتاه‌مدت

○ با توجه به اینکه مهمترین مسائل بشری در سه حوزه امنیتی، اقتصادی و حقوق بشر است، شایسته است که در سازمان ملل متحد نیز سه شورا داشته باشیم. برای مقوله‌های امنیتی و اقتصادی دو شورا وجود دارد که همان شورای امنیت و شورای اقتصادی و اجتماعی است؛ اکنون باید برای مسائل مربوط به حقوق بشر نیز شورای «حقوق بشر» برپا شود.

○ گرچه برداشت

دیبر کل از منشور در جای خود محترم است زیرا از منشور نیز همچون دیگر متون تفسیرهای گوناگون و گاه متناقض می‌شود، ولی باید به این نکته نیز توجه داشت که راهکارهای پیشنهادی او ناگزیر متأثر از فضایی امنیتی است که با رویدادهای یازدهم سپتامبر و پس از آن آلوده شده است؛ فضایی که در آن بسیاری از اولویتهای نوع بشر بویژه آنهایی که در جهان باصطلاح در حال توسعه به سر می‌برند در زیر دودهای ناشی از منفجر شدن مرکز تجارت جهانی در نیویورک پنهان مانده است.

فرهنگی کشور ما هستند در این نهاد بسیار حساس و مؤثر، با منافع درازمدت ملی ما مغایرت دارد. بنابراین باید از عضویت کشورهای پشتیبانی کنیم که اگر دوست نیستند دست کم رقیب هم نباشند؛ تقویت موقعیت بین‌المللی آنها نیز تهدیدی مستقیم و غیر مستقیم برای منافع سیاسی، امنیتی و اقتصادی ما به شمار نیاید؛ گذشته از آن حضورشان در شورای امنیت بتواند به توازن قدرت در سطح بین‌الملل نیز کمک کند.

دیبر کل در گزارش خود یکسره بر مسئله حق و تو چشم بسته است. در واقع او هم چون گروه ویژه‌ای که پیش‌نویس گزارش را تهیه کرده‌اند بر این باور است که ورود به این حوزه به علت مغایرت با منافع اعضای دائم شورا بویژه آمریکا، موجب می‌شود که اصل ضرورت اصلاحات خدشه پذیرد.

در گزارش دیبر کل، از ماده ۵۱ منشور تفسیری ویژه به دست داده شده که با نظر بیشتر کشورها و نیز با روح آرای دیوان بین‌المللی دادگستری مغایرت دارد. اگر چنین تفسیری پذیرفته شود، کشورها مجاز خواهند بود برای رویارویی با تهدیدهایی که آنها را قریب الوقوع می‌بینند، در قالب دفاع از خود، دست به اقدام نظامی بزنند؛ در حالی که بر اساس ماده مزبور کشورها وقتی مجازند که به اقدام نظامی متوسل شوند که به واقع و در عمل مورد حمله قرار گیرند؛ گذشته از آن، پس از گزارش کردن دلایل و شواهد به شورای امنیت می‌توانند یک جانبه اقدام کنند. بر پایه تفسیر تازه از ماده ۵۱ منشور در گزارش دیبر کل، تجاوز نیروهای صدام به ایران و کویت و همچنین ماجراجویی‌های آمریکا در افغانستان، عراق و... که به بهانه وجود تهدید قریب الوقوع صورت گرفته است، مشروعیت و وجاهت قانونی می‌یابد. به نظر می‌رسد که دیبر کل در این گزارش از یک نکته بسیار اساسی غفلت کرده است و آن ریشه اصلی بحران‌های کنونی بین‌المللی است که همان سرشت نظامی‌گری و گرایش به کاربرد خشونت و زور در برخی کشورها و بازیگران

غیردولتی است. کاربرد زور در قالب عملیات پیشگیرانه، رویکردی که استراتژی امنیت ملی دولت بوش بر آن استوار شده است. به واقع در این گزارش به خطرهای ناشی از کاربرد یکجانبه زور و خشونت از سوی قدرت‌های بزرگ توجه کافی نشده، حال آنکه هرگونه اصلاح مفهومی و ساختاری، بی‌پرداختن به این مهم، کارساز نخواهد بود. افزون بر آن، دیبر کل در گزارش خود اشاره‌ای به صدها کلاهک هسته‌ای در زرادخانه قدرت‌های هسته‌ای که مهمترین تهدیدکننده صلح و امنیت جهانی است نکرده و موضوع خلع سلاح و تهدیدهای ناشی از این جنگ‌افزارها در گزارش دیبر کل جایی ندارد. در این گزارش همچنین از قاچاق مواد مخدر که رابطه‌ای نزدیک با تروریسم و جرایم سازمان یافته فراملی دارد، غفلت شده است.

۶. اصلاحات مفهومی و ساختاری در

کمیسیون حقوق بشر نیز اهمیت بسیار دارد و حساسیت موضوع و پیامدهای آن برای همه کشورها، بر کسی پوشیده نیست. تشکیل نهادی مستقل به نام شورای دائم حقوق بشر و تهیه شدن گزارش سالانه از عملکرد دولت‌ها در زمینه چگونگی رعایت حقوق شهروندانشان از جمله پیشنهادهای مهمی است که با اقبال سازمان‌های غیردولتی و جوامع مدنی و همچنین کمیساریای عالی حقوق بشر روبه‌رو شده است، هر چند با مزاج بسیاری از دولت‌ها سازگار نیست. از دید منتقدان، اجرا شدن راهکارهای پیشنهادی دیبر کل در زمینه اصلاح کمیسیون حقوق بشر، به سیاسی‌تر شدن این نهاد می‌انجامد؛ گذشته از آن، سبب می‌شود که کمیسیون بتواند با کشورها به گونه گزینشی برخورد کند و سرانجام به نهادی زیر سیطره برخی کشورها تبدیل گردد. از این رو بسیاری از کشورهای در حال توسعه پیشنهاد برپایی شورای حقوق بشر را نامناسب و سبب قطبی شدن و سیاسی شدن مکانیزم سازمان ملل متحد در حوزه حقوق بشر می‌دانند.

به هر رو، بخش مربوط به حقوق بشر مناقشه‌انگیزترین بخش گزارش دیبر کل است که

تدارك دیده است؛ اینکه هر کشوری چون احساس می کند از سوی کشوری یا گروهی در درون کشوری مورد تهدید قریب الوقوع است، بتواند به حمله پیشدستانه دست زند.

۸. از حساس ترین موضوعات مطرح شده در گزارش دبیر کل تعریف تروریسم است. از دید او، به توافق نرسیدن دولت‌ها بر سر تعریفی جامع از تروریسم سبب شده است که جامعه جهانی نتواند به گونه مؤثر با تروریسم مقابله کند. دبیر کل تعریفی از تروریسم دارد که در کنوانسیون مربوط به منایع مالی تروریسم نیز آمده است. به گفته وی، هر کاری که به عمداً با هدف ایجاد هراس و وحشت از راه آسیب زدن به هدفهای غیر نظامی صورت گیرد، کار تروریستی شمرده می شود. دو مفهوم Intended Act و Collateral Damage در تعریف تروریسم از نظر دبیر کل مفاهیمی کلیدی است که باید مورد توجه قرار گیرد. به هر رو، دبیر کل از کشورهای عضو می خواهد بر سر تعریفی که از تروریسم به دست داده است توافق کنند، و گرنه تلاشی جدی برای رویارویی با این معضل جهانی صورت نخواهد گرفت.



توجه بسیاری از کشورهای در حال توسعه را به خود جلب کرده است. قطب بندی کشورها به شمال و جنوب در هیچ زمینه ای از تحولات سازمان ملل به روشنی حوزه حقوق بشر صورت نمی گیرد. گرچه همه کشورهای اعم از توسعه یافته و در حال توسعه یا گروه کشورهای شمال و گروه کشورهای جنوب بر سر هم با ایجاد تحول در این کمیسیون موافقتند، اما این شاید تنها موردی باشد که اکنون درباره آن اتفاق نظر وجود دارد و دیگر پیشنهادهای دبیر کل در حوزه حقوق بشر همچنان محل مناقشه است.

۷. در این گزارش چنان که باید به نقش برجسته فرهنگ در صلح و جنگ، توسعه، شکوفایی اقتصادی، امنیت، ترغیب و توقف تروریسم پرداخته نشده و چنین می نماید که دبیر کل تا اندازه زیادی از فضای امنیتی شده ای که آمریکا پس از یازدهم سپتامبر در صحنه بین الملل پدید آورده اثر پذیرفته است و نقش عوامل مؤثری چون فرهنگ و رهیافت گفتگو در تحقق امنیت و رسیدن به توسعه و رعایت حقوق بشر را نادیده گرفته و در نتیجه، بیشتر زمینه های لازم برای عملیات پیشدستانه را فراهم ساخته و مهمات بروز هرج و مرج مشروع در نظام بین المللی را

○ در گزارش دبیر کل، از ماده ۵۱ منشور تفسیری ویژه به دست داده شده که با نظر بیشتر کشورها و نیز با روح آرای دیوان بین المللی دادگستری مغایرت دارد. اگر چنین تفسیری پذیرفته شود، کشورها مجاز خواهند بود برای رویارویی با تهدیدهایی که آنها را قریب الوقوع می پندارند، در قالب دفاع از خود، دست به اقدام نظامی بزنند.